

مهندس فرپور - چون این یکی راجع به حکومت است .

نایب رئیس - اجازه میفرمایید آقای دکتر بنده بدو توضیح بدهم برای اینکه آقایان کاملاً قانع بشوید چون فلسفه دارد ممکن است که در سه خبر اول که الان خوانده شد اشخاصی باشند که با این نظر موافق باشند و با گزارش سوم مخالف میخواهم عرض بکنم مجبورها مانیتوانیم رأی بگیریم و باید یکی یکی رأی بگیریم .

دکتر مصدق - اجازه میفرمایید . که خود بنده این گزارش سیمی را خوانده و عرایضم را بکنم .
نایب رئیس - بفرمایید آقایان ، منعی ندارد
(دکتر مصدق بشرح ذیل گزارش را قرائت کرد)

**گزارش سوم کمیسیون
دادگستری راجع سهیلی**

گزارش از کمیسیون دادگستری بمجلس شورای ملی بتاريخ دوم

اسفند ماه ۱۳۴۴

تقیب گزارش شماره ۲۳ مورخه ۳۰ ر ۲۳۱ بقیه اتهاماتی که به آقای سهیلی نخست وزیر
امسب نسبت داده شده عبارت است از :

- ۱ - نسبت داده اند که آقای علی سهیلی با پول و وسائل شهرداری مقاداری مصالح ساختمانی از قبیل آجر و آهک و غیره خریداری و به مصرف ساختمان شخصی رسانده اند .
- ۲ - مقاداری لولا - دستگیره - چوب و غیره بقایای مصالح ساختمان کاخ وزارت امور خارجه در انبار آن وزارتخانه بوده آقای علی سهیلی بدون رعایت مقررات و کمترین قیمت واقعی آن اجناس را خریداری کرده اند .
- ۳ - آقای علی سهیلی در انتخابات آذربایجان افعال نفوذ و مداخلاتی برخلاف مقررات کرده اند این اتهامات بوسیله آقای سید مهدی فرخ نماینده مجلس اعلام و به کمیسیون عرایض ارجاع شده کمیسیون مرقوم موضوعات مذکور را قابل تقییب ندانسته و مطابق مقررات بکمیسیون دادگستری ارجاع شده است .

کمیسیون دادگستری در جلسات متعدد متعدد اتهامات فوق الذکر را مورد شور و مذاکره قرار داده از کسانی که لازم بنظر رسید تحقیقات بعمل آمده بدفاتر وزارتخانه و ادارات مربوطه مراجعه آخرین جلسه رسیدگی در روز ۶ بهمن ماه ۲۴ خاتمه و منتهی باخذ رأی شده اینک نظریه کمیسیون را بشرح ذیل اعلام میدارد :

اول - راجع بخريد لوازم و مصالح بنائي با پول شهرداری - چون طبق

نامه شهرداری وقت و مشروطه متصدی خرید و مراجعه بدفاتر بتحقیق پیوست که مراجعه آقای سهیلی شهرداری برای خرید اجناس مرقوم مطابق معمول آنوقت از این نظر بوده است که اشیاء مذکور از لحاظ ساختمانهای شهرداری و دربار و غیره تقریباً در انحصار شهرداری بوده و تهیه آن اجناس بدون وساطت و مداخله شهرداری برای اشخاص مشکل و متعسر بوده است آقای سهیلی اشیاء را بوسیله کارپردازهای شهرداری تهیه و وجوه آنرا پرداخت و محاسب ایشان بکلی تصفیة شده است فیوض رسید بهای اجناس پیوست پرونده است و از این طریق ضرری متوجه شهرداری نشده و استفاده ای از اموال آن مؤسسه بعمل نیامده است بنابراین این موضوع قابل تقییب کیفری نبوده اکثریت اعضای کمیسیون از این حیث جسر میرا متوجه آقای سهیلی ندانسته معظّم له را مبری تشخیص میدهند .

فرار از سوم گمبیه دادگستری

دوم - در قسمت خرید ابزار و چوب و سایر اشیائی که در انبار کاخ وزارت امور خارجه موجود بوده است : هر چند آقای سهیلی اظهار داشتند که آن اشیاء را بقیست کارشناس خریدند و متصدی حسابداری وزارتخانه هم توضیح داده اند که فروش مطابق مقررات و با رعایت قانون بوده و چون آن اشیاء مورد احتیاج وزارتخانه نبوده و وزارت دارائی هم اجازه فروش داده و قیمت آنها کمتر از پنجهزار ریال بوده (مهندس فریور - پنجهزار تومان است آقای دکتر) بلی ، طبق مقررات و معمول وزارتخانه و ادارات دولتی احتیاجی یا انتشار آگهی مزایده نداشته است بوسیله کارشناس رسمی ارزیابی و با آقای سهیلی واگذار شده است خلاصه آنکه مدعی هستند که در این مورد عملی شده است که در موارد مشابه در ادارات دولتی میشده و پرونده امر هم حاکی است که جریان بنحوی بوده است که ذکر شد . لیکن چون طبق ماده ۳۹ از قانون محاسبات عمومی انصراف از اجرای مزایده در مورد فروش اجناس دولتی وقتی است که دلائل موجهی بر عدم لزوم مزایده موجود باشد در این مورد چنین دلائل موجود نبوده دیگر اینکه باید تمام اشیاء موجوده کمتر از پنجهزار تومان باشد در این مورد گرچه آنچه آقای سهیلی خریدند اند کمتر از پنجهزار تومان تقویم شده ولی موجودی انبار از آن اشیاء منحصر بآنچه آقای سهیلی خریدند نبوده مقدار دیگری که نتیجه بقیست مجموع آنها زائد بر پنجهزار تومان است در انبار بوده و پس نباید قسمتی از آن اشیاء تفکیک و بدون اجرای مقررات مزایده بفروش میرسد یا اضافه قبل از تقویم و تأذیه بهای اجناس به آقای سهیلی تعویل شده و قیمت اجناس چند ماه بعد از تسلیم تأذیه شده است . بجهت مذکور اکثریت اعضاء کمیسیون این عمل آقای سهیلی را قابل تعقیب تشخیص میدهند .

سوم - در قسمت انتخابات آذربایجان : بموجب دو فقره تلگراف که صحت و اصالت آنها محرز شده آقای علی سهیلی صریحاً بامور انتخابات دستور داده اند که اشخاص معینی باید انتخاب شوند و نسبت به شخص دیگری اشعار داشته اند که انتخاب او مقتضی نیست هر چند کسانی که دستور داده اند باید انتخاب شوند انتخاب نشده اند و منظور حاصل نگشته است ولی اکثریت اعضاء کمیسیون در این مورد عمل آقای علی سهیلی را مشمول ماده ۲۸ از قانون مجازات عمومی دانسته و ایشانرا قابل تعقیب کیفری تشخیص میدهند .

اینک بشرح مذکور فوق خبر کمیسیون دادگستری را دائر بر براءت آقای علی - سهیلی در قسمت خرید مصالح بنائی بوسیله شهرداری و قابل تعقیب بودن ایشان در قسمت خرید اشیاء موجود در وزارت امور خارجه و دخالت در انتخابات آذربایجان تقدیم میدارد - اضافه بر آنچه ذکر شده بایشان نسبت داده شده است که در انتخابات فارس هم مداخلتی کرده اند ولی راجع باین موضوع با آنکه چند جلسه رسیدگی و مذاکره شده هنوز منتهی بصدور رأی نگشته است

مختبر کمیسیون دادگستری - نبوی

دکتر مصدق - آنچه خوانده شد گزارش کمیسیون دادگستری بود این هم هرایض خود بنده است : در اول این دوره چند اعلام جرم آقای فرخ نسایندة مجلس شورای ملی و بعضی از آقایان مدیران جراید ملی بر علیه آقای سهیلی داده اند که فقط دوتای از آنها را کمیسیون دادگستری فعلی مجلس شورای ملی بدیوان کشور ارجاع کرده و اینکار هم بهت بعضی از اعضاء کمیسیون از قبیل آقایان : دکتر زنگنه - نبوی - شریعت زاده - طامری - عسکری -

۲۵۰ **فرهنگ گزارش‌نویسی**

شهاب فردوسی - سلطانی - امام جمعه و حادثی صورت گرفته است. آقایان نامبرده مصمم شدند که حیثیات از دست رفته کمیسیون را اعاده دهند و با اینکه بعضی از آنها رأی بی‌راست

آقای سهیلی داده اند و خلیفه من اینست از آنها اینکه اعلام جرم‌ام را داده و اعضای کمیسیون دادگستری ضلی که برای انجام وظیفه حاضر شده اند تشکر نمایم.

امیدوارم که آقایان اعضاء کمیسیون ضلی عرایض و دادگستری متوجه باشند که اگر تا آخر دوره در کمیسیونهای مزبور اعلام جرمی بلا تکلیف بماند در حکم اشخاصی خواهند بود که کمک بجرمین کرده اند.

طبق ماده ۳ قانون معاکه و وزراء: «هیچ اعلام جرمی نباید بیش از ۱۵ روز در کمیسیون عرایض و طبق ماده ۴ پیش از یکماه در کمیسیون دادگستری بلا تکلیف بماند» و در اعلام جرم اینجانب راجع آقای «محمود بدر» بیش از مدت قانونی در کمیسیونهای مزبور مانده و امیدوارم که آقایان همکاران عزیز راضی نشوند که در آخرین روز این دوره من از آنها در مجلس گله نمایم.

آقای مهندس فریور مینویسند: «رأبرت کمیسیون عرایض مربوط با اعلام جرمی که بر علیه آقای بدر شده است اکنون مدت مدیدی است که روی میز مقام ریاست است و با اینکه قطع باید خوانده شود و بکمیسیون دادگستری ارجاع شود و رأی هم لازم ندارد همینطور مانده است...»

اکنون لازم میدانم در نوشت چند تلگرافی که از طرف آقای سهیلی راجع بدخالت در انتخابات دوره ۹۳ صادر شده و بدست من آمده است فرات کنم تا جامعه بداند که این مرد چقدر بمقررات قانونی و حقوق ملی بی اعتنا و تا چه درجه متجاهر است. اینک تلگرافات:

«آقای عضدی نماینده مخصوص وزارت کشور!

بطوریکه دوروز قبل تلگراف کردم گنجه ای «حتماً» باید در صورت باشد و نباید ترقیبی داده شود که این قضیه مسلم باشد. ۱۹۶۹ سهیلی نخست وزیر.»

«نخست وزیری ۱۹۶۹ آقای گنجه ای در صورت هستند مذاکره ای هم بعمل

آمد در گزارش بعدی بعرض خواهد رسید. ۶۸ عضدی ۱۴/۱۱/۲۲

آقای عضدی مأمور انتخابات!

بطوریکه اطلاع دارید انتخاب دکتر قاسم اهری از اهر مقتضی نیست دکتر نصر مدیگر کل وزارت کشور اظهار میدارد و سائلی برای انتخابات خود در آنجا دارد در صورت داشتن زمینه انتخابات آنجا را شروع و خاتمه دهید و الا نتیجه تلگرافی نماید ۱۷۴۹ سهیلی نخست وزیر

آقای عضدی نماینده مخصوص وزارت کشور ۱

اینجا به گنجهای^(۱) کاملاً اعلام مندم البته میل دارم آقای معقانی هم انتخاب شود این قضیه را هر طور میدانید عملی فرمائید که قضیه حل شود و فوریت صورت اسامی را که با آنها موافقت شده است یکبار دیگر تلگرافی نمائید که سوء قاضی رخ ندهد ۱۹۵۴ نخست وزیر سپهلی

قبل از انتخابات دوره ۱۴ آقای سپهلی بوسیله رادبو نطقی خطاب به ملت ایران نموده و وعده دادند که انتخاب دوره مزبور کاملاً آزاد است و هیچکس نباید در انتخابات دخالت کند این تلگرافات می‌رساند که ایشان چه اندازه راستگو هستند و وعده ای را که به ملت ایران داده چه خوب عملی کرده اند و باز لازم میدانم که عرض کنم بر طبق ماده ۵ قانون معاکمه وزراء : « در صورتیکه خبر کمیسیون عدلیه دایر به جرمیت وزیر باشد خبر مزبور در مجلس علی قرائت و بدون مذاکره و مباحثه دوسه امر بوزارت عدلیه ارسال میشود که قضیه را فوراً بدیوان تیز ارجاع نماید » بنابراین دو اعلام جرم آقای سپهلی که یکی راجع به بران درو پنجره وزارت خارجه (خطاب به آقای همایونچاه معاون وزارت امور خارجه) آقای پس حالا شما چطور شما درو پنجره هایشان را میبندید دستگیره هایش را که برده اند (خنده نمایندگان) آقای مهندس فریور مینویسد که : « آقای ندین هنوز در دانشگاه مشغول تدریس و تدریس جوانان است » آقای مهندس فریور به باید خود این جوانان سردرس حاضر نشوند جامعه باید خودش از خودش دفاع بکنند این جوانان نباید بروند آنجا درس بخوانند (صحیح است) .

لنگرانی - آقایان شورای عالی فرهنگ هم عضو است !

دکتر مصدق - آنجا هم همینطور (لنگرانی - این غافل ، این غافل تاریخی ، آنجا هم عضو است) و دیگری راجع به انتخابات آذربایجان است باید در دیوان کشور رسیدگی و قضاوت شود نظر باینکه طبق ماده ۴۱ قانون استخدام کشوری : « هر گاه مستخدمی با اتهام جنحه یا جنایتی بدلیه جلب شود از موقع اقامه دعوی در محکمه موقتاً از شغل خود منصرف است » و رویه قضائی ما این است که از موقع صدور ادها نامه مستخدم مزبور معلق میشود و چون خبر کمیسیون دادگستری مجلس شورای ملی در حکم ادها نامه است تا ایشان در دیوان کشور تبرئه نشوند نمیتوانند مصدر کار شوند چون شهرت دارد که آقای نخست وزیر میخواهند به آقای سپهلی کار رجوع کنند ما انتظار نداریم که آقای نخست وزیر با احساسات مردم اهمیت ندهند و از کسیکه در جامعه ایرانی رسوا و منتضخ است حمایت و او را نامزد کار کنند و به ملت ایران توهم نمایند - من آنچه صلاح سلکت و خیر ایشان است عرض میکنم و خواهانم که آقای وزیر دارائی گزارش امروز مجلس را با آقای نخست وزیر ببینند .

و اما راجع با اعلام جرمی که کمیسیون های سابق و فعلی دادگستری آنها را قابل تعقیب ندانسته نظریات من اینست :

۱- اعلام جرم راجع بمصالح شهرداری

راجع بسوء استفاده های آقای سپهلی از مصالح و وسایط نقلیه شهرداری تهران و نوشتن تو نامه ایشان را که اصل آن در پرونده موجود است قرائت میکنم :

۱ - مقصود آقای گنجه ای برادر مدیر پاپا شغل است که آنوقت رئیس بنگاه مستقل آبیاری بود و فعلاً در مجلس ۱۵ نماینده است .

نامه اول:**خدمت آقای آشتیانی رئیس اداره اموال شهرداری**

۱ - چون مقداری چوب برای پوشش احتیاج دارم استاد احمد را فرستادم غدغن فرمائید درهرجا باید تهیه شود خود او آنجا برود که سوا کند زیرا چوبهاییکه میفرستید گج و بیصرف است آنچه فعلاً احتیاج هست گویا بیست اینچی که ۱۰ پنج متری و ۶ چهار متری و ۳۳ عدد از همانها .

۲ - هشت تیر آهن نمره ۲۰ بطول ۵/۷۰ متری و یک تیر آهن نمره ۲۴ بطول ۵/۳۰ متر احتیاج فوری دارم دستور فرموده آنرا شاید امروز بفرستید .

۳ - قدری باز آجر لازم است غدغن فرمائید امروز حمل کنند از فرستادن گج هم مضایقه فرمائید موجب تشکرات سهیلی ۲۰ ر ۵۰ ر ۲۰

نامه دوم:**آقای آشتیانی رئیس اموال شهرداری تهران**

بطوریکه دیروز با تلفن مذاکره شد استاد فرج الله نجار را خدمت فرستادم که چوبها را برای نجاری درب ارائه فرمائید تعدادی که احتیاج دارد و تصور میبود بیش از ۱۲۰ بلریا ۲۴ عدد است جدا کرده غدغن فرمائید از امروز مرتباً گج برسانند از لوله های آبهم خبری ندارم بالاخره رسیده است یا نه - بدو تیر آهن ۱۸۰ متر شماره ۱۲ یا ۱۴ هم احتیاج دارم متشکرم بشوم که لطفاً دستور کارهای بالا را صادر فرمائید. سهیلی ۲۷ ر ۵۰ ر ۲۰

من با نظر کمیسیون فطی دادگستری که در گزارش خود مینویسند: « اشیاء مذکور از لحاظ ساختمانهای شهرداری و دربار و غیره در انحصار شهرداری بوده و تهیه آن اجناس بدون وساطت و مداخله شهرداری برای اشخاص مشکل و ممتنع بوده است آقای سهیلی اشیاء را بوسیله کارپردازهای شهرداری تهیه و وجوه آن را برداشته و محاسبه ایشان بکلی تصفیه شده است قبوض رسید بهای اجناس بیوست پرونده است» مخالفم زیرا هر کسی در این شهر میتواند با کمال سهولت برای خود مصالح تهیه کند گمانیکه در شهر اینهمه بنا شده و کسی منوسل بشهررداری نشده است .

آقای آشتیانی در نامه خود ضبط پرونده اینطور مینویسد: « باینکه خرید و فروش مصالح ساختمانی آزاد و تهیه آن برای هیچکس مستقیماً مسمی نداشت ایشان (آقای سهیلی) بنده را بوزارت کشور و امر فرمودند بوسیله یکی از کارپردازان شهرداری برای ایشان مصالح ساختمانی خریداری و با کامیونهای شهرداری بسزل بیلاقی ایشان (مقابل استخر باغ فرنوس) فرستاده شود . بنده هم مراتب را با آقای فروزان که آن موقع شهردار بودند حضوراً گزارش داده فرمودند ایشان وزیر کشور هستند و امر ما فوق مطاع است یکی از کارپردازها دستور دادند برای ایشان هر چه میخواهند تهیه نمایند ولی بهای آن و کرایه کامیون را هم حساب و از ایشان دریافت کنند بنده هم یکی از کارپردازها که گویا کاتوزیان نام داشت کتباً ابلاغ نمودم: « بر حسب امر جناب آقای وزیر کشور برای ایشان مصالح ساختمانی تهیه و حمل ننمایید.» بعد از دوسه روز مطالبه بهای مصالح شد فرمودند بعداً حساب میشود تا اگر بر مراتب را با آقای شهردار تذکر که با ایشان گفتگو و ترتیبی برای پرداخت مصالح بدهند بعد از مطالبه جواب آقای فروزان با حالت عصبانی و تعجب فرمودند: «میدانیم وزیر

کشور چه میگوید عرض کردم خیر فرمودند میگوید: «بحساب شهرداری بگذارید» بنده جواب دادم چگونه ممکن است این عمل خلاف قانون و اسباب زحمت است ایشان هم اظهار نمودند من متوجه هستم و همینطور هم بوزیر کشور تذکر دادم میگوید: «من وزیر کشور هستم و مسئولیت با من است همانطور که برای اعلیحضرت همایونی (شاه سابق) مصالح تهیه و بحساب شهرداری گذاشته میشود برای من هم اقدام نمائید بنده برای اینکه اگر روزی مقتضی باشد بتوانم موضوع را اظهار نمایم مدرک و گواهی داشته باشم بوزارت کشور رفته مراتب را بحساب آقای وارسته معاون وقت که از اشخاص باایمان و صالح هستند (حیدرعلی امامی-صحیح است) (فداکار وارسته بک آدم نادرستی است) عرض و ایشان خیلی متأسف و عصبانی شدند.

تا موقعی که قضایای سوم شهریور پیش نیامده بود ایشان از پرداخت مصالح ساختمانی که کارپردازهای شهرداری برای ایشان خریداری نموده بودند و همچنین قیمت آهن آلاتی که از انبار شهرداری برده بودند بکلی خودداری و هر قدر بنده و آقای فروزان بایشان مراجعه و تذکر دادیم نتیجه حاصل نشد بعضی وقوع قضایای سوم شهریور همان روز بنده بدون مواظت شهرداری و وزارت کشور فوراً بوزارت دارائی برگشتم ... دیگر اطلاع ندارم که بهای آنچه را که کارپرداز شهرداری برای ایشان خریداری نموده بود و همچنین بهای آهن آلات خود شهرداری را که باید بترخ رسمی بازار بپردازند پرداخته یا نه. آنچه مسلم است بر فرض اینکه بهای مصالح را بر اثر تغییر رژیم بالاچار بعد از چند ماه با اصرار و فشار بنده و آقای فروزان پرداخت فرموده باشند گرایه کامیونهای شهرداری که بامر ایشان هزارها آجر و خروارها آهک و کچ و الوار و آهن آلات و سیمان و غیره حمل نموده و مکرر جزء سایر صورت حسابها بنده بایشان تقدیم نمودم نپرداخته اند ... الی آخر» مراسله چون خیلی مفصل است بنده از ذکر باقیش صرف نظر میکنم. صدور نامه های آقای سهیلی دلالت میکند وزیر کشور خواسته از قدرت خود سوء استفاده کند و عمل اوشمول ماده ۲۳۴ قانون مجازات عمومی است که میگوید: «هر کس بوسیله تهدید و اجبار وجه نقد یا چیز دیگری تحصیل کند بعبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد و جزای شروع باین عمل حبس تأدیبی از یکماه تا ششماه است» و نیز مشمول ماده ۱۵۷ قانون مزبور میباشد که از اینقرار است: «هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی که بالبشاره یا بتوسط وسایط در معاملات و مزایده ها و مناقصه ها و تخصیصات و امتیازات دولتی که در تحت مدیریت او بعمل آمده نفی برای خود منظور دارد یا بدون مأموریت از طرف دولت بر عهده دولت چیزی بفرد یا بسازد و یا در موقع پرداخت وجوهی که بر حسب وظیفه بعسده او بوده یا تفریق حسابی که باید بعمل آورد برای خود نفی منظور دارد علاوه بر انفصال از خدمت دولت محکوم بتأدیه ضمیمه انتظامی که منظور داشته است خواهد شد»

۴- راجع باعلام جرائم انتخابات بندرعباس و شهرضا

طبق گزارش آقای دکتر عبده مغیر کمیسیون سابق دادگستری که قرأنت شده مدارک جرم انتخابات بندرعباس از اینقرار است:

- (الف) - پیش نویس تلگرافی بدون تاریخ و شماره فرمانداری بندرعباس دایر باینکه «دکتر مصباح زاده را فراموش ننمائید دستور انتخابات انجام میرسد» .
- (ب) - تلگراف فرماندار بندرعباس بنحیت وزیر بغداد اینکه «۱۵۵۹» اطاعت میشود» و آقای سهیلی بطریق ذیل دفاع نموده است:

«در باره تلگراف فرماندار بندو عباس کہ «دکتر مصباح زاده را فراموش فرمائید» توضیح دادند: اولاً - چون رئیس دولت از نظر مصالح کشور میتواند راجع بزمینہ اشخاص در انتخابات تحقیقات نماید و ثانیاً چون دکتر مصباح زاده در این جا اظهار میکرد کہ من در بندر عباس زمینہ دارم و چنانچہ در آنجا اقداماتی برعلیہ من نشود انتخاب خواہم شد فرماندار بندر عباس کہ عازم محل بود گفتہ شد کہ در آنجا مطالعہ نموده بہ پیند آبا دکتر مصباح زاده زمینہ دارد یا خیر و اطلاع دہد چون جوابی از فرماندار نرسید من تلگراف نمودم کہ دکتر مصباح زاده یعنی موضوع داشتن و یا نداشتن زمینہ ایشان را فراموش نکنند و بعدہم جوابی بن دادہ شد» (صحیح است) پس معلوم میشود وقتی کہ گفتید «دکتر مصباح زاده» یعنی داشتن زمینہ یا غیر زمینہ (خندہ نمایندگان) معلوم نیست چرا کیسیون سؤال نکرد از داشتن و یا نداشتن زمینہ آقای سہیلی چہ مقصودی داشتہ اند ؟ در صورت نداشتن زمینہ طبق قانون چہ کار میکردند کہ اگر آقای مصباح زاده زمینہ داشتند با احترام قانون از مداخلہ در کار انتخابات خودداری مینمودند .

راجع بانتخابات «شہرضا» گزارش آقای دکتر عبیدہ مدارک جرم را بدین طریق شرح میدہد:

(الف) - تلگراف فرماندار شہرضا بنحست وزیر: «انتخابات شروع شدہ بود کہ کاندیدی شکایت داشتہ باشد بدیہی است او امر مبارک کاملاً اجرا خواہد شد» .

(ب) - تلگراف فرماندار شہرضا بنحست وزیر بغداد اینکه «شیروانی بواسطہ مخالفت خسرو قشقائی و صارم الدولہ در اقلیت است و دکتر کیان بہین جہت زمینہ مناسب دار چنانچہ بندہ بیطرف بنام موقیبت با کیان خواہد بود و اگر شخص ثالثی انتخاب بشود بہتر است»

(ج) - تلگراف بنحست وزیر بفرماندار بغداد اینکه «نظر همان است کہ حضوراً مذاکرہ شدہ اہتمام نمایند همانطور عمل شود ممکن است انتخابات چند روز بتعویق افتد» .

(د) - تلگراف فرماندار شہرضا بنحست وزیر دایر بر اینکه «تشکیل انجمن بتعویق افتاد ولی صارم الدولہ و قشقائی «شیروانی» را در اقلیت گذاشتہ و چون لجنہ از حیث سیاست محلی تحت نظر صارم الدولہ است اگر نتیجہ خلاف انتظاری پیش آمد نمایندہی را مقصر ندانید» .

(ه) - تلگراف وزیر کشور بفرماندار دایر بر اینکه «شما منتظر خدمت میشوید» و آقای سہیلی ہم بدین طریق دفاع نموده است: «در قسمت تلگراف آقای علی سہیلی بفرماندار شہرضا کہ «نظر همان است کہ حضوراً مذاکرہ شدہ ممکن است انتخابات چند روز تأخیر افتد» آقای سہیلی توضیح دادند چون استاندار تلگراف نموده بود کہ ممکن است در شہرضا خونریزی شود این دستور برای جلوگیری از اغتشاش و نزاع بوده و مذاکرات شفاهی مربوط با آقای شیروانی بودہ است کہ ایشان اظهار میداشتند کہ در شہرضا آراء طبیعی دارند و اگر بیطرفی کامل را رعایت نمایند ایشان انتخاب خواهند شد دستور شفاهی بفرماندار بہین قسمت بود کہ بیطرفی کامل را در امر انتخابات رعایت نماید و تلگرافاتی کہ باستاندار و سرلشکر جہانبانی شدہ این نظرات تأیید میکنند راجع بعکم انتظار خدمت میکندہ توضیح خواستہ شد جواب دادند دستوری از طرف من در این قسمت دادہ شدہ است» از میکندہ فرماندار پیشین شہرضا توضیحاتی خواستہ شد چنین اظهار داشتند کہ «قبل از حرکت بشہرضا آقای سہیلی مرا

احضار و باتفاق آقای شیروانی خدمت ایشان رسیده فرمودند چون از فرار آقای شیروانی در محل معیوبیت دارند ولی قشقایها با ایشان مخالفت میکنند شما سعی کنید از نفوذ آنها تا حدی که مقدور است جلوگیری و جدیت کنید که ایشان و کیل شوند و مخصوصاً فرمودند از صندوق اسم شیروانی بیرون آید و من جواب دادم که اگر ایشان زمینه مناسب داشته باشند من کمک میکنم که انتخاب شوند پس از رفتن بسجل سران قشقائی بنده را ملاقات و گفتند اگر شیروانی از اینجا انتخاب شود سیرم یک پارچه آتش خواهد شد بنابراین بنده مبادرت بصدور این تلگراف کردم که خسرو یا شیروانی مخالف است، صارم اندوله نیز خوشین نیست و شیروانی نیز زمینه مناسبی ندارد، اگر انتخابات آزاد باشد موفقیت با «کیان» خواهد بود در اینجا دو کاندید بوده یکی شیروانی بوده یکی هم آقای کیان در نتیجه آقای سهیلی دستور تلگرافی صادر کردند که دستور همان است که شفاهاً گفتم بعد از چندی که بطهران آمده و مراجعت کردم حکم انتظار خدمت من از وزارت کشور صادر شد»

راجع به وجبات انتظار خدمت آقای میکده بعداً شرحی توسط آقای علی سهیلی پیوست نامه وزارت کشور بسکیسیون دادگستری رسید که مفاد آن از اینقرار بود :

«چون آقای میکده بیانوی بدعکار بود و از طرف ثبت اسناد فشار بوزارت کشور وارد میشد وزارتخانه هم بیکیده مراجعه و چند بار تندر کرده شد که قراری برای پرداخت دین خود با بانوی نامبرده بگفارد چون مشارالیه اقدامی نکرد و اداره ثبت اسناد هم حکم توقیف ایشان را صادر نمود وزارت کشور مبادرت بصدور حکم انتظار خدمت ایشان نمود» اگر وجبات انتظار خدمت شکایت طلبکار بود چرا آقای سهیلی میکده را بوسیله تلگراف رمز آنها موقع انتخابات تهدید کرده است؟! و اینکه آقای سهیلی اظهار نموده تلگرافاتی که باستاندار و سرلشکر جهانپانی شده بیطرفی دولت را تأیید میکند خلاف واقع - میباشد اگر از انتخاب آقای شیروانی منصرف شده بود آقای سرلشکر جهانپانی تلگرافی بمضون ذیل نمیکرد.

«جناب آقای سهیلی نخست وزیر! دو کاندید شهرضا از لحاظ سیاست مناسب نیستند اجازه فرمائید اعزاز نیک بی انتخاب شود بقشقایها دستور داده شد آراء خود را بفتح نیک بی منتشر نمایند» اول آذر ۱۳۲۲ سرلشکر جهانپانی «و از آقای سهیلی اجازه نمیخواست که راجع با انتخاب اعزاز نیک بی اقدام کند - چون سهیلی میگوید که من گفتم و بفرماندار و سرلشکر جهانپانی تلگراف کردم که انتخابات آزاد است اگر همچو تلگرافی کرده بود سرلشکر تلگراف نمیکرد که من اعزاز نیک بی را انتخاب میکنم خودش انتخاب میشد یا هر کس دیگر»

چون آقای دکتر عبده مضر کبکیسون سابق دادگستری دلیلی در گزارش خود راجع ببراءت آقای سهیلی ذکر ننموده و باین قناعت کرده اند که در آخر گزارش بنویسد : «در انتخابات بنصر عباس رأی گرفته شد ۱۲ رأی از ۱۴ رأی ایشان را قابل تعقیب ندانسته و بکنفر هم آقای سهیلی را بر طبق ماده ۱۲۹ قابل تعقیب تشخیص و بکنفر هم منتع و سپس نسبت بداخله آقای سهیلی در امر انتخابات شهرضا اتخاذ رأی شده از ۱۵ نفر عده رأی دهندگان با اکثریت ۱۲ رأی آقای سهیلی را قابل تعقیب ندانسته و بکنفر هم ایشان را قابل تعقیب دانسته و بکنفر هم منتع بودند» (البته رأی منعی بوده است) اینجا بناب آقای سهیلی را مبری نبدانم و چنانچه مجلس شورای ملی عملیات ایشان را در امر انتخابات مخالف

قانون تشخیص ندهد در ادوار بعد کسی در این مجلس وارد نخواهد شد که نماینده ملت ایران باشد (صحیح است) اگر این تلگرافات دخالت در امر انتخابات نیست پس معلوم میشود که انتخابات در این ملک نباید بشود، مردم حق انتخابات ندارند اگر آقای سبلی نخواست در انتخابات دخالت بکند این تلگراف های و مژرا برای چه کرد؟

بنا بر رئیس دولتی که بخواهد انتخابات آزاد باشد و مردم آزادانه و کلای خودشان را انتخاب بکنند برای چه تلگراف رمز میکند؟ برای چه میگوید مصباح زاده را فراموش نکنید؟ شیروانی را از ستون دریاورید؟ من یا فلانکس مواظب من یا او مخالفم - اینها تمام چیزهایی است که دخالت در انتخابات است - آقایان ما میرویم ولی فکری برای دوره پانزدهم بکنید بجهت اینکه اگر شما اینها را دخالت در انتخابات ندانستید آنوقت گله مند نباشید که در دوره پانزدهم نمایندگان که ملت روحش هم از آنها اطلاع نداشته باشد در مجلس وارد شوند (صحیح است) نظرم این است که طبق ماده ۸۳ قانون مجازات عمومی: « هر وزیری که برخلاف قانون آزادی شخص افراد ملت را سلب کند یا افراد ملت را از حقوقی که قانون اساسی بآنها داده معروم نماید از شغل خود منصرف و از ۵ تا ۱۰ سال از حقوق اجتماعی معروم خواهد شد » بنا بر این کوچکترین مداخله وزراء در انتخابات سبب میشود که انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان (آقای بیات گوش بصفحه شما وزیر هسته اینها را گوش بسعید که بعد این کارها را نکنید خنده نباشد گمان) هر دو از حق که قانون اساسی بآنها داده است معروم شوند و مجازات ماده مزبور که معرومیت از حقوق اجتماعی است مطابق بندهشتم از ماده ۸ قانون مجازات عمومی کیفر است که برای جنایت تعیین شده و بر طبق ماده ۲۰ قانون مجازات عمومی « شروع جنایت مطلقا مستحق کیفر است » بنا بر این مجلس شورای ملی مکلف است که اعلام جرم راجع با انتخابات بنام عباس و شهرضا هر دو را بدیوان کشور ارجاع کند که دیوان مزبور رسیدگی و قضاوت نماید اعلام جرمی هم چند نفر از آقایان مدیران جرائد ملی بر علیه آقای سبلی نموده و عملیات ایشان را در خصوص: ۱ - توقیف جرائد ۲ - تغییر قانون حکومت نظامی ۳ - قیام بر علیه حکومت ملی مخالف قانون تشخیص داده و تعقیب ایشان را درخواست نموده اند که کمیسیون دادگستری سابق طبق گزارش ۳ بهمن ماه ۱۳۲۳ آنها را وارد ندانست است چون تا آخر دوره چند روز بیشتر باقی نیست وقت مجلس مضیق است من از اظهار نظر خود داری میبکنم و آقایان امضا کنندگان محترم اعلام جرم اطمینان میدهم که اگر دیوان کشور در انجام وظیفه قصور نکند آقای سبلی مطابق اعمال خیر خواهان مملکت و وطن پرستان بکیفر خود خواهد رسید (صحیح است) بنا بر این آقایان هر نظارتی که دارند در کار دیوان کشور بکنند.

در اینجا برای تذکره آقای وزیر دادگستری یاد آور میشوم که اوضاع دادگستری ما در این ایام طوری شده است که قضات صحیح العمل نمیتوانند در آنجا کار کنند (صحیح است) و قیام دیوان کشور یعنی بالا ترین محکمه قضائی بتلف خود عمل نکند از محاکم دیگر چطور میتوان انتظار داشت که انجام وظیفه کند؟!

از ۲۱ تیرماه ۱۳۲۳ که مجلس شورای ملی اعلام جرم آقای تدین را در خصوص دخالت در انتخابات بلوچستان و بندرعباس توسط وزارت دادگستری بدیوان کشور ارجاع نمود دیوان مزبور بیانه اینکه اعلام جرم دیگری هم در مجلس راجع با آقای تدین هست از رسیدگی خودداری نمود اعلام جرم ثانوی هم که راجع بسطامه غلات آذربایجان است

بدیوان کشور ارجاع شد و تاکنون بلا تکلیف مانده است .

در صورتیکه وحدت محاکمه یعنی جمع کردن دو یا چند پرونده در یک محاکمه در دو صورت متصور است یکی اینکه چند نفر با هم مرتکب یک جرم شوند دیگر اینکه بین دو پرونده ارتباط باشد یعنی اگر دادگاه نسبت به یکی تصمیمی اتخاذ نمود در دیگری مؤثر باشد معلوم نیست که بین انتخابات بلوچستان و بندر عباس با معامله غلات آذربایجان چه ارتباطی بود که دیوان کشور ماده ۱۵۰ قانون مجازات عمومی را رعایت نکند و در انجام وظیفه تأخیر نماید!

چندیست بواسطه تصادف یا پاره‌ای نظریات وزراء دادگستری از رجال غیر متخصص انتخاب میشوند چون آقای وزیر دادگستری شخص منصفی هستند امیدوارم برای خود همکاران شایسته ای انتخاب کنند که با اصلاحات دادگستری موفق شوند (انشاءالله)

بالاخره پرونده سهیلی بدیوان کشور ارجاع شد

در این جلسه بازکار آقای سهیلی بجای

نرسید و نماینده اول تهران ناچار شد که در

جلسه نهم اسفند ۲۴ مجدداً موضوع را تعقیب کند

در این روز عده از نمایندگان مخالف و موافق صحبت کردند و بالاخره نتیجه

این شد که پرونده آقای سهیلی بعد از قریب دو سال مبارزه بی نظیر بدیوان کشور

ارجاع شود. اینک ما بیانات نمایندگان را در این جلسه تاریخی از مجله مذاکرات

مجلس شماره ۳۰۷ مورخه دوازدهم اسفند ۳۲۴ صفحه ۱۱۰۷ تا ۱۱۱۱ عیناً نقل

مینمائیم .

نایب رئیس - آقای دکتر مصدق اخطار نظامنامه‌ای دارید ؟ بفرمایید .

دکتر مصدق - جلسه قبل رأی داده شد که گزارش کمیسیون دادگستری

مطرح شود و مطرح هم شد آنروز بواسطه ناتمامی آن رأی نگرقتید و حالا

باید تمام شود آنرا تمام نکرده‌اید و وارد یک موضوع دیگر شده‌اید من نیتانم کار آقای

سهیلی چه باعث شده‌است و چه اشخاصی در اینجا هستند که هر وقتی میخواهد مطرح شود از

دستور خارج شده‌است!! باید رأی بگیریید آقا جزو دستور بودن آن داپرت را بخوانید تکلیفش

را معلوم بکنید بعد وارد کار دیگر بشویم .

مهندس فریور - بنده هم اخطار داشتم .

نایب رئیس - آقای دکتر معظمی .

دکتر معظمی - اینجا سوء تفاهم نشود ما نظر نداشتیم که موضوع آقای سهیلی از

دستور خارج بشود .

دکتر مصدق - شما نظر ندارید ولی قهراً از دستور خارج میشود .

دکتر معظمی - این مطرح با قید دو فوریت است وقتی این دو فوریت تصویب شد

آنوقت خود مجلس معین میکند که اتهام نسبت با آقای سهیلی مقدم مطرح بشود یا این مطرح (۱)

از عمر مجلس نه روز دیگر بیشتر باقی نیست از این جهت این يك كار خیری است كه بنده اصرار داشتم تمام شود .

دكتر مصداق - بنده مخالفم رأی بگیری مطرح شود .

نایب رئیس - بنده عقیده ام اینست برای اینکه نظر آقایان هم تأمین بشود امروز بیک فوریت این لایحه رأی بگیریم يك رأی بدهید كه این را بكمیسیون بفرستیم و يك شوری بشود بعد وارد دستور شویم دستور هم لایحه مربوط آقای سهیلی است اینراه حلی است حضرت عالی هم موافقت فرمائید رأی میگیریم ب فوریت این طرح پیشنهادی (روحی - يك فوریت) بله يك فوریت آقایانیکه موافقت قیام فرمایند (لنگرانی - مذاکره نشده من مخالفم) تصویب شد بكمیسیون ارجاع میشود .

لنگرانی - این چه طور رأی بود اخطار دارم این چه جور رأی فوریت است كه

نگذاشتید حرف بزنیم !!

نقابت - اخطار نظامنامه ای دارم .

لنگرانی - اخطار دارم آقایان چه جور ب فوریت رأی گرفتن است ؟

نایب رئیس - آقای لنگرانی يك رأی گرفتیم برای يك فوریت لایحه دو فوریت يك فوریت و رأی گرفتیم و بكمیسیون میرود اشخاصی كه با يك فوریتش مخالف بودند میتوانند حرف بزنند (لنگرانی - شما فرصت ندادید حرف بزنیم) خواستم در مجلس يك كاری انجام شده باشد خواهش میکنم جناب عالی عصبانی نشوید حتی كه از آقایان تضييع شده است (لنگرانی - بنده مخالف بودم و فوریت را خطرناك میدانم) خطرناك نیست در جلسه بعد وقتیکه مطرح میشود هر كسی هر صحبتی دارد میکند (لنگرانی - من با يك فوریت و دو فوریت مخالفم) .

مهندس فریور - بنده آقا اخطار داشتم .

نایب رئیس - فرمائید .

بقیه مذاکره در گزارشات كمیسیون دادگستری

راجع با تهاجمات آقای سهیلی و اخذ رأی نسبت بدو گزارش

مهندس فریور - بنده عرض کنم اخطار را موقعی کردم كه جریان آنطور پیش آمد كه يك لایحه دیگری در ضمن این گزارشات آمد البته بنده مقصودم این نبود كه مخالفت بكنم خود من از امضاء كندگان آن طرح بودم همانطور كه جناب آقای دكتر فرمودند خواستم عرض كنم حالا دیر نشده است چون طرز عمل مجلس برای اخذ نتیجه بسیار مؤثر است تصدیق بفرمائید اگر در ضمن يك لایحه دیگر داده شود وقتس علیهذا (جمال امامی - قضیه پیمانها را همین طور بهم زدید) - بهیچ نتیجه نمیرسیم ، قضیه پیمانها درین بود و يك وضع دیگری شد و آن رأی گرفته شد و این گزارشات مطرح شد و امروز در وسط كار يك لایحه دیگری هم آمد الان هم سه رابرت كمیسیون دادگستری مطرح است . در این سه رابرت دوتايش كلا تیره کرده است آقای سهیلی را و در یکی دیگری قسمتی تیره کرده است و قسمتی معكوم کرده است ، اگر میخواهیم ب نتیجه برسیم باید مطالب را تفكيك كنیم (صحیح است) آن قسمتی را كه معكوم کرده است مجلس اساساً مذاکره راجع بآن نباید بكنند قطعاً كافی است كه خوانده شود و رجوع شود بسدیوان كشور این را

تمام میکند این یک مطلب در قسمتی که دال بر تیره است و باید مذاکره بشود (اعم از اینکه در راپرت یک باشد یا دو باشد یا قسمتی از راپرت سه همانطوریکه مجموعاً مذاکره شد یکی هم هست و مطالب بهم پیوستگی دارد بایستی در همه آن صحبت بشود. اگر بخواهید قضیه را سبیل کنید راهش این است که مخلوط کنیم ولی اگر بخواهید به نتیجه برسید و تمام شود راهش این است که فقط خواننده شود قسمتی که محکوم شده است ارجاع بشود بدیوان کشور و بعد در قسمتهای دیگر مذاکره بشود.

نایب رئیس - اگر جنابعالی تأمل کرده بودید الان این کار شده بود همین بیانیکه جنابعالی کردید در همین فاصله من کار را انجام میدادم. حالا هم خبر را بخوانید. بنده خواهش میکنم از آقایان یکقدری با بنده کمک فرمایند در این چند روزم تا اینکه چند تا کار لازمی که در بین هست بکنند. بنده نظرم پیشرفت کار است نظر دیگری ندارم. (گزارش اخیر کمیسیون دادگستری بشرح آتی قرائت شد):

گزارش از کمیسیون دادگستری بمجلس شورای ملی

تعیین گزارش شماره ۲۳ مورخه ۳۰/۳/۲۳۱۰ بقیه اتهاماتی که آقای سهیلی نخستوزیر اسبق نسبت داده شد عبارت است از:

۱ - نسبت داده اند که آقای علی سهیلی با پول و وسائل شهرداری مقداری مصالح ساختمانی از قبیل آجر و آهک و غیره خریداری و مصرف ساختمان شخصی رسانده اند.

۲ - مقداری لولا - دستگیره - چوب و غیره بقایای مصالح ساختمان کاخ وزارت امور خارجه در انبار آن وزارتخانه بوده آقای علی سهیلی بدون رعایت مقررات و کمتر از قیمت واقعی آن اجناس را خریداری کرده اند.

۳ - آقای علی سهیلی در انتخابات آذربایجان اعمال خود و مداخلاتی بر خلاف مقررات کرده اند.

این اتهامات بوسیله آقای سید مهدی فرخ نماینده مجلس اعلام و یکمسیوی عرایض ارجاع شده کمیسیون مرقوم موضوعات مذکور را قابل تعقیب ندانسته و مطابق مقررات به کمیسیون دادگستری ارجاع شده است.

کمیسیون دادگستری در جلسات متعدد اتهامات فوق الذکر را مورد شور و مذاکره قرار داده از کسانی که لازم بنظر رسید تحقیقات بعمل آمده بدفاتر وزارتخانه و ادارات مربوطه مراجعه آخرین جلسه رسیده گئی در روز ۲۴ بهمن ماه ۲۴ خاتمه منتهی باخذ رأی شده اینک نظریه کمیسیون را بشرح ذیل اعلام میدارد:

اول - راجع بخرید لوازم و مصالح بنائی با پول شهرداری چون طبق نامه شهرداری وقت و مشروحه متصدی خرید و مراجعه بدفاتر بنتحقیق پیوست که مراجعه آقای سهیلی شهرداری برای خرید اجناس مرقوم مطابق معمول آنوقت از این نظر بوده است که اشیاء مذکور از لحاظ ساختمان های شهرداری و دربار و غیره تقریباً در انحصار شهرداری بوده و تهیه آن اجناس بدون وساطت و مداخله شهرداری برای اشخاص مشکل و متعسر بوده است آقای سهیلی اشیاء را بوسیله کارپردازهای شهرداری تهیه و وجوه آنرا پرداخته و محاسبه ایشان بکلی تصفیه شده است قبوض رسیده بای اجناس پیوست پرونده است و از این طریق ضرری متوجه شهرداری نشده. و استفاده ای از اموال آن مؤسسه بعمل نیامده است بنا بر این

این موضوع قابل تعقیب کیفری نبوده اکثریت اعضاء کمیسیون از اینجهت جرمی را متوجه آقای سهیلی ندانسته معظم له را مبرا تشخیص میدهند .

دوم - در قسمت خرید ابزار در وچوب و سایر اشیائی که در انبار کاخ وزارت امور خارجه موجود بوده است هر چند آقای سهیلی اظهارداشت اندک آن اشیاء را بقیمت کار شناس خریده اند و متصدی حسابداری وزارتخانه هم توضیح داده اند که فروش مطابق مقررات و با رعایت قانون بوده و چون آن اشیاء مورد احتیاج وزارتخانه نبوده و وزارت دارائی هم اجازه فروش را داده و قیمت آنها کمتر از پنجهزار ریال (هاشمی - پنجهزار تومان است آقای مخبر) (نبوی مخبر کمیسیون دادگستری - بلی) کمتر از پنجهزار تومان بوده طبق مقررات و معمول وزارتخانهها و ادارات دولتی احتیاجی بانشار آگهی مزایده نداشته است بوسیله کارشناس رسمی ارزیابی و به آقای سهیلی واگذار شده است خلاصه آنکه مدعی هستند که در این مورد عملی شده است که در موارد مشابه در ادارات دولتی میشده و پرونده امر هم حاکی است که جریبان بهجوری بوده است که ذکر شد لیکن چون طبق ماده ۳۹ از قانون محاسبات عمومی انصراف از اجرای مزایده در مورد فروش اجناس دولتی وقتی است که دلائل موجبی بر عدم لزوم مزایده موجود باشد در این مورد چنین دلاللی موجود نبوده دیگر اینکه باید تمام اشیاء موجوده کمتر از پنجهزار ریال باشد در این مورد گسره آنچه آقای سهیلی خریده اند کمتر از پنجهزار ریال تعویب شده ولی موجودی انبار از آن اشیاء منحصر بآنچه آقای سهیلی خریده اند نبوده مقدار دیگری که نتیجه قیمت مجموع آنها زائد بر پنجهزار تومان است در انبار بوده پس نباید قسمتی از آن اشیاء تخفیک و بدون اجرای مقررات مزایده فروش میرسد یا اضافه قبل از تقویم و تأدیة بهای اجناس بآقای سهیلی تحویل شده و قیمت اجناس چند ماه بعد از تسلیم تأدیة شده است بجهت مذکور اکثریت اعضاء کمیسیون این عمل آقای سهیلی را قابل تعقیب تشخیص میدهند .

سوم - در قسمت انتخابات آذربایجان بموجب دوقره تلگراف که صحت و اصالت آنها معروض شده آقای علی سهیلی صریحاً بأمور انتخابات دستور داده اند که اشخاص معینی باید انتخاب شوند و نسبت بشخص دیگری اشعار داشته اند که انتخاب او مقتضی نیست هر چند کسانی که دستور داده اند باید انتخاب شوند انتخاب نشده اند و منظور حاصل نگشته است ولی اکثریت اعضاء کمیسیون در این مورد عمل آقای علی سهیلی را مشمول ماده ۲۸۰ از قانون مجازات عمومی دانسته و ایشان را قابل تعقیب کیفری تشخیص میدهند .

اینک بشرح مذکور فوق خبر کمیسیون دادگستری را داتر بربرائت آقای علی سهیلی در قسمت خرید مصالح بنائی بوسیله شهرداری و قابل تعقیب بودن ایشان در قسمت خرید اشیاء موجوده در وزارت امور خارجه و دخالت در انتخابات آذربایجان تقدیم میدارد . اضافه بر آنچه ذکر شده با ایشان نسبت داده شده است که در انتخابات فارس هم مداخلاتی کرده اند ولی راجع باین موضوع با آنکه چند جله رسیدگی و مذاکره شده هنوز منتهی بصدور رأی نگشته است .

مخبر کمیسیون دادگستری - نبوی

نایب رئیس - آقای پوررضا اخطارتان را بفرمایید .

پوررضا - بدو آمرش کنم که اشتباه نشود (اردلان - بنده پیشنهاد کفایت مذاکرات را کرده بودم) قصد بنده دفاع از آقای سبیلی نیست و با اینکه قصدم حمله بایشان نیست بلکه منظور بنده از تذکر این اخطار تذکر عدم رعایت اصول و قوانینی است که در مورد این پرونده و این اتهامات نسبت بشخص آقای سبیلی شده است برای چه برای اینکه مجلس شورای ملی مرکز قانون گذاری است و بایست سر مشق برای سایر مؤسسات کشوری و لشگری باشد اگر خود مجلس شورای ملی بایستی از کمیسیونهای تبعه آن رعایت اصول و قوانین را نشاید پس بعنکم اولویت از سایر ادارات و مؤسسات دیگر هم نمیتوان این انتظار را داشت. قبلا میخواهم عرض بکنم که قانون محاکمه وزراء یک تشریفات و مقررات از لحاظ حفظ وزراء از جهات سیاسی است که تحت تأثیر افکار سیاسی دوره زمان و ممکن واقع



آقای پوررضا نماینده لیروز آباد
دره سن ۱۳

نشوند و باین جهت قانون محاکمه وزراء برای وزراء یک مقررات خاصی غیر از موارد عمومی برای اشخاص تعیین کرده. قانون اساسی برای رسیدگی بدعاوی اعم از حقوقی یا جزائی سه مرحله برای اشخاص پیش بینی کرده است : مرحله بدایت، مرحله استیناف و مرحله تیز که همان دیوان کشور باشد، در قانون محاکمه وزیران هم این سه اصل در مورد محاکمه پیش بینی شده باین عنوان که پس از اینکه اعلام جرمی نسبت بیک وزیر بوسیله مجلس شورای ملی میشود این قبلا بکمیسیون عرایض و سپس بکمیسیون داد گستری رجوع میشود کمیسیون داد گستری اینجا جنبه قضائی را دارد یعنی در مرحله بسوی رسیدگی میکند نفیاً یا اثباتاً اظهار نظر میکند بعد می آید به مجلس شورای ملی و مجلس شورای ملی در واقع در حکم استیناف است که نسبت بنظریه کمیسیون داد گستری رسیدگی میکند و پس از اینکه در این مرحله هم رسیدگی شد مورد مرحله نهائی که دیوان عالی کشور است رجوع میشود این یک مقدمه ای بود که خواستم بمرض آقایان نمایندگان برسانم حالا باید به بینیم فلا که در مرحله استیناف است یعنی در مجلس شورای ملی مطرح است وظیفه آقایان اینجا جنبه سیاسی نیست بلکه جنبه قضائی است باید به بینیم که در مرحله بسوی درست مورد رسیدگی واقع شده است یا خیر. کمیسیون داد گستری بطوریکه آقایان میدانند مشتمل بر هیجده نفر عضو است در این مورد که مورد رسیدگی قرار داده اند شش نفر بوده اند که با اکثریت پنجاه نسبت بیک نفر این نظریه بمجلس شورای ملی آمده است. اما عدم رعایت اصول و قوانین که در کمیسیون داد گستری شده. کمیسیون داد گستری مطابق ماده ۲۴ که مورد اعتراض و اخطار نظامنامه ای بنده است همینطور ماده بدش کمیسیون همیشه در تحت ریاست مسن ترین اعضاء خود تشکیل میشود و بیک نفر رئیس و بیک نفر نایب رئیس تعیین میکنند، کمیسیون داد گستری رئیسش آقای بهبانی است که همه آقایان نمایندگان اطلاع دارند که مدتی است ایشان مریض هستند و تشریف نیاورند نایب رئیس هم آقای دکتر عبده

است ایشان هم شاید متجاوز از یکماه است که اینجا نیستند (سلطانی شیخ الاسلامی - نایب رئیس آقای دکتر کیان است دکتر عبده مخبر است) اجازه فرمائید بنده عرضم را بکنم.

نایب رئیس - اجازه فرمائید مطالبشانرا بفرمایند.

پوررضا - کمیسیون مشتمل بر هیجده نفر بوده است به بینید چرا آقایان آمده‌اند و باشش نفر جلسه اکثریت رسمی را تشکیل و مورد رسیدگی قرار داده اند، میگویند سه نفر از آقایان اعضای کمیسیون مستعفی شده اند و سه نفر هم در مسافرتند می‌شود شش نفر پس همان شش نفر باقی مانده اند پس میشود باشش نفر اکثریت پیدا کند؟ در صورتیکه ماده ۲۴ نظامنامه این را نمیگوید، میگوید: «در صورتیکه یکی از اعضای کمیسیونی از عضویت کمیسیون یا نمایندگی استعفا داده یا فوت نماید باید همان شعبه که شخص مستعفی یا متوفی را بعضویت کمیسیون انتخاب کرده بود دیگری را بجای او تعیین نماید» خوشبختانه در مجلس شورای ملی چند نفر از رجال قضائی و از وکلای دادگستری و از قضات هستند که یکی از آن آقایان آقای نبوی هستند که خودشان مخبر این کمیسیون هستند؛ آقا این مورد را مورد تغییری و اختیاری معین نکرده است مورد مورد تکلیفی است و میگوید بعد از آنکه آنها استعفا دادند باید همان شعبه که مستعفی یا متوفی را بعضویت کمیسیون انتخاب کرده بودند دیگری را بجای او معین نماید پس اینجا آن سه نفر مستعفی را نمیتوان از حد نصاب اعضا کمیسیون دادگستری کم کرد حالا راجع بر رسیدگی بعقیده بنده کمیسیون دادگستری يك شعبه از مجلس شورای ملی است آقایان ببینید در مجلس شورای ملی چه جور رسیدگی میشود حد نصاب برای شروع بمذاکرات یا برای اتخاذ رأی را چه جور قائل شده اند باید دو نالت آقایان نمایندگان حاضر باشند تا جلسه علنی تشکیل شود و شروع بمذاکره شود (سلطانی - این را قانون اساسی برای مجلس پیش بینی کرده است نه برای کمیسیون) اجازه فرمائید آقا تشریف بیاورید اینجا نظر بنده را رد کنید مخصوصاً بنده به نظر حضرتعالی هم خیلی متقدم اما نه در این مورد، در این مورد درست نمیدانم. در مجلس شورای ملی باید دو نالت حاضر باشند برای مذاکره و سه ربع برای رأی و در مورد کمیسیون هم که يك شعبه از شعبات مجلس شورای ملی است و قتیکه نظامنامه ساکت است بچه مناسبت آمده اید با پنج نفر از هیجده نفر نسبت يك موضوعی رأی قطعی داده اید نتیجه اش این میشود که از هیجده نفر که عضو کمیسیون دادگستری بوده اند پنج نفر «بر علیه» رأی داده‌اند و سیزده نفر نظرشان قاطع نشده پس اقلیت بر اکثریت دارد حکومت میکند و این برخلاف اصول قانون اساسی و دمکراسی و پارلمانی است. بنده با یکی از آقایان اعضای کمیسیون صحبت کردم که علت ادامه این رویه ناموجه که آقایان اتخاذ کردند چه بود بنده خیلی صریح اللهمجه هشتم و روشن صحبت میکنم آن شخص از بنده خواهش کرد اسمش را نگویم گفت روی فشار جناب آقای دکتر مصدق السلطنه بود (مهندس فریور - اینطور نیست) اجازه فرمائید بنده عرضم را بکنم بعد تشریف بیاورید اینجا جواب فرمائید (مهندس فریور - می‌آیم ولی اینطور نیست) مگر آقای دکتر مصدق السلطنه فردی از افراد این مجلس شورای ملی بیشتر هستند؟ منتهی که ولت سن و سابقه و پیری ایشان يك احترامی را بما تحمیل میکنند ولی ایشان يك نظری عامرانه را نمیتوانند بما تحمیل کنند و نظر دیکتاتوری را نسبت بدهد نمیشود تحمیل کنند و بعد هم گفتند از لحاظ فشاری که برآید فراهم میکردند ما ناچار شدیم که در این مورد اینطور بکنیم. بنده تا يك اندازه آن فرمایشات رفیق را تأیید میکنم برای

اینکه مشاهده میکنم فشار سختی که از طرف آقای دکتر مصدق بر این مجلس و نایب رئیس و افراد آن وارد میشود این افکار را ایجاد کرده است ولی آقایان امروز شما جنبه سیاسی ندارید، قاضی هستید. يك ضرب المثل فارسی هست که میگویند «کلاهت را قاضی کن» یعنی شریف باش، نظیف باش، با وجدان باش، تحت تأثیر اشخاص واقع نشوید؛ اینجا دارید قضاوت میکنید این قضاوت شما قضاوت قانونی است از لحاظ سیاست هم میخواهم عرض کنم آقای سپیلی امروز کسی هستند که با دولتی که امروز مورد اعتماد این مجلس است دارند همکاری میکنند فشار يك دکتری که يك مریضی را که الان مشرف بیوت است دارد عمل میکند آیا سزاوار است؟ آیا سزاوار است که بآن دکتری بگوئیم که توجانی هستی، تو خائن هستی، تو متهم هستی. عیب او چونکه بگفتی هنرش نیز بگویی!!

جناب آقای دکتر مصدق سپیلی کسی است که پیمان سه گانه را در این مملکت بست که باتکاء آن روز دوم مارس مملکت ایران از قشون متفقین تخلیه میشود (یکی از نمایندگان - مرحوم فروغی بست) او خدماتی هم کرده است، اگر دوره چهاردهم امروز وجود دارد مرهون اعمال اوست (یکی از نمایندگان - با این کثافت) ما نباید نظیرمان را با قدر کوتاه و تنگ بکنیم و بگوئیم که ایشان دوتا دستگیره دزدیده اند این برای مملکت عیب است و بعلاوه بعضی اشخاص يك مانتالیته دارند که بعد از آنکه بعد از دوره بیست ساله رجالی برای ما باقی نمانده است این چند نفری را هم که داریم سعی میکنیم این چند نفر را هم لجن مال بکنیم و از بین ببریم برای اینکه برای خودمان يك شخصیت و ممتازیتی درست بکنیم (لنگرانی - اینهم از رجال دوره بیست ساله است) اجازه بفرمائید آقایان ما باید از این رجال و از افکار آنها استفاده کنیم و يك شخصیت هائی از افکار آنها ایجاد شود اگر يك شخصیت هائی را هم از بین ببریم که فایده ندارد والا آنوقت باید گفت: نه بر مرده برزنده باید گریست!!

لنگرانی - آقای پور رضا شما که مخالف عمال بیست ساله بودید و در روزنامه ها

می نوشتید؟

پور رضا - از این روزنامه نویسا توی مجلس هم هستند.

نایب رئیس - آقای نبوی.

نبوی - (مخبر کمیسیون دادگستری) - با اجازه آقای لنگرانی چند کلمه بنده عرض میکنم که هیچیک از اعضاء کمیسیون دادگستری در هیچیک از مواردی که در کمیسیون مطرح بود نه غرض شخصی داشته و نه تحت تأثیر واقع شده اند ممکن است فرمایشات جناب آقای دکتر مصدق با صحبت هائی که در این جا شده باعث تذکر شده است که کمیسیون را تشکیل بدهند و آن چیزی را که در کمیسیون مانده است مطرح کنند ولی مطلقاً تحت تأثیر واقع نشده اند و هیچ فرضی هم با احدی نداشته اند. البته کمیسیون هم مثل همه افراد مصون از اشتباه نیست ممکن است افراد کمیسیون و اکثریت کمیسیون اشتباه کرده باشند ولی غرضی نداشته اند در این موضوع هم اقبال نظر شخصی نشده، آقایان - نقابت در جلسه گذشته فرمودند که کمیسیون تشکیل نشد مگر برای رسیدگی باین اعلام جرمها، خود ایشان از اعضاء محترم و مبرز کمیسیون هستند و در جلسات هم حاضر بودند و تصدیق دارند که کمیسیون دادگستری بیشتر از تمام کمیسیونها جلسات خود را تشکیل داده و لوابعی که بکمیسیون دادگستری آمده همه خانه پیدا کرده جز چند لایحه که در آنجا باقی مانده البته شده است که جلسات اکثریت نیافته است بسیاری از جلسات هست که اکثریت

نیافته است ولی وقتی مجموعاً حساب کنیم جلسات کمیسیون دادگستری بیشتر از سایر کمیسیونها بوده است، راجع بعد نصاب عده کمیسیون موادی را که قرالت فرمودند آقای پور رضا اصولاً مربوط یکمسیونها نبود. کمیسیونها مطلقاً از شعب تشکیل نیشود آن مواد مربوط شعب است در آئین نامه تفکیک است کمیسیونها را از شعبه ها در تمام ادوار سابق هم که بتشکیل کمیسیونها راجع کنید رویه بر این بوده است که همیشه عده مستغنی را کسر میکردند عده را هم که مسافرت میکردند کسر میکردند و بعد اکثریت را از بقیه حساب میکردند در این مورد مجموع عده کمیسیون دادگستری هیچجده نفر بوده است سه نفر آنها استعفا داده اند آنها البته از عده کسر میشود و بجای مستغنی ها حتماً کمیسیون الزام ندارد که انتخاب کند و بعد کمیسیون را تشکیل بدهند چنانکه این عمل در مجلس شورای ملی هم هست و در مجلس هستند نمایندگانی که فوت کرده اند و نمایندگانی که استعفا داده اند معذک بجایشان انتخاب نشده و همه روزه هم مجلس را ادامه داده اند و در کمیسیون هم همین عمل را کرده اند گزارشهایی که خواننده شد پنج فقره است این پنج فقره گزارش در یک جلسه و دو جلسه و سه جلسه تمام نشده است تقریباً میتوانم عرض کنم که بکسبست عده وقت دوساله کمیسیون دادگستری صرف مذاکره و تحقیق و رأی گرفتن این پنج فقره گزارش شده و در طی این جلسات گاهی بزرده است تمام عده، گاهی بوده است نصف باضافه يك، گاهی بوده است تمام کتر ولی بهر صورت آن اصل کلی که عرض کردم عده مسافرت و استعفا دهندگان را کنار گذاشته اند و اکثریت را نسبت ببقیه رعایت کرده اند این يك اصلی بوده است که همیشه رعایت شده است اما در مورد این نوموضوع بخصوص که کمیسیون رأی بجزمیت داد، رأی بعقیقت داد در يك مورد کمیسیون با عضویت هشت یا نه نفر تشکیل شده که بهر صورت باز بیش از نصف بعلاوه يك است و در يك مورد با اکثریت شش یا هفت نفر که حالا چون پرونده پیش بنده نیست و دفاتر هم اینجا نیست الان نمیتوانم اعداد قطعی اش را عرض کنم. بهر صورت کمیسیون تشکیل شده و رسمیت یافته است. همانطور که فرمودند رئیس آقای بهبهانی بود ایشان مریض شدند و سفارش کردند برای اداره کردن کمیسیون (وسابقه هم دارد این موضوع) گفتند من قادر نیستم بیایم و باید رئیس انتخاب کنید، در جلسه باتفاق آراء آقای شریعت زاده بریاست انتخاب شدند و آقای دکتر کیان هم که نایب رئیس بودند در آن جلسه نبودند و آقای دکتر عبده را هم که فرمودند نایب رئیس بودند ایشان هیچوقت نایب نبودند. عرض کنم خدمتتان که در قسمت خرید اشیاء از شهرداری چون حالا مجال صحبت پهنده رسیده در جواب جناب آقای دکتر مصدق که در جلسه گذشته این قسمت را فرمودند عرض میکنم. فرمودند که آقای سهیلی با پول شهرداریها و با وسائل شهرداری مصالح بنایی خریده اند و بهصرف شخصی رسانیده اند در این جور کارها و مخصوصاً در این قضیه البته ملاک اظهار نظر کمیسیون تحقیق از اشخاص مراجعه بیرونده و مراجعه بدفاتر تحقیق از کسی است که اعلام جرم کرده است جز این راه راهی برای رسیدن بعقیقت نبوده است ما هم همین راه را تحقیق کردیم البته همینطور که فرمودند آقای آشتیانی که یکی از کارمندان شهرداری بود این جرم را اعلام کرده اند و نوشته اند که آقای سهیلی این مصالح را با پول شهرداری خریده و استفاده کرده ولی متصدی حساب و آنکسی که این را خریده برای آقای سهیلی در جلسه کمیسیون حاضر شد و نوشت من اینرا با پول خود ایشان خریده ام و این مصالح را تمام خود ایشان پولش را دادند در دفاتر خود منهم که جزئی از دفاتر شهرداری است وارد است در آن موقع تهیه مصالح بنایی تقریباً مشکل بود برای افراد. برای اینکه

مطابق همان پرونده شهرداری دویست جا پتائی میکرده و بجلاوه در بازار در قضاط متعددی مشغول بنائی بوده است و در سر کوره های فشاری نظامی ها بوده اند نیگذاشتند مصالح بنائی را برای دیگری بخرند اگر ایشان میخواستند بطور عادی تحصیل این مصالح را بکنند البته میسر نبوده ایشان یکی از مأمورین شهرداری را دیده اند و بوسله او تپه مصالح کرده اند و قیمت آنرا تمام پرداخت کرده اند و مقاصد حساب و رسید هم دریافت کرده اند و در دفاتر هم وارد است البته کبسیون با دیدن يك چنین اوراق و اسنادی نمیتوانست بجرمیت رأی بدهد و اینصل جرم نیست يك معامله ای است که ایشان کرده اند منتهی استفاده کرده اند از يك مأمور شهرداری و بطور خصوصی مراجعه کرده اند و او هم خریدار و فرستاده است اینکه از بول شهرداری و از وسائل شهرداری استفاده کرده است. قسمت دیگر هم آنروز باز ایشان فرمودند در ضمن مطالبشان مربوط با انتخابات بندر عباس و شهرضا بود. کبسیون برای تشخیص مداخله بشملاکی در نظر گرفت، خود آقای سهیلی هم در کبسیون آمدند و توضیح دادند که آقای دکتر مصباح زاده دائم مزاحم من بود و همه روزه آنجا بود و مدعی بود که من در محل زمینه دارم و منتخب محل بطور قانونی اگر اعمال نفوذی نشود من خواهم بود و دیگران در آنجا دارند اعمال نفوذ میکنند ؟ منظور ایشان این بود که بشامورین خودمان دستور بنهیم که از مداخله سایرین جلو گیری کنند و منظور از آن تلگراف که آقای مصباح زاده را فراموش نکنید این بود که حرفهای او را که آقای مصباح زاده زدند دائر بداشتن زمینه فراموش نکنند حالا اگر این تلگراف را اینطور تعبیر بکنیم یا تعبیر مخالفه بگوئیم مقصود از این که آقای مصباح زاده را فراموش نکنید مقصود انتخابات ایشان بوده حالا که اینکار عملی نشد مو تأییری هم در آن فرماندار نگردان میزان عمل صورتی نبوده که کبسیون این کار را مداخله تشخیص بدهد و دلیل اینکه کبسیون هم نظری نداشته است اینست که در مورد دیگری از این جهت که تلگرافات شدیدی بود و امر صریح کرده بودند بانجام يك کاری ایشان را در همین مورد قابل تعیب شناخته و در این مورد اگر آن تلگرافات را مداخله فرض بکنیم چون مداخله کثری بوده است در وضعیت محل و مختل با انتخابات کسی نبوده ایشان را قابل تعیب تشخیص نداده است این نکتاتی بود که بنده عرض کرده حالا بنده است بنظر مجلس که هر ضرر میضارند عمل بکنند .

اردلان - کفنی است آقا (زنده رئیس)

نایب رئیس - چون این مطلب يك قسمتی که مربوط به پشت رتبه است بنده باید در این موضوع اظهار نظر بکنم : سابقه بطوری که آقای نویی اظهار فرمودند همینطوری بوده است که کبسیون عمل کرده است مستقی و مسافرتین را از حد حساب خارج می کنند و اکثریت را نیست سایرین می ستجد و اینصل هم سابقه داشته است .

پور رضا - رویه نامعینی بوده .

جعفی از نمایندگان - مذاکرات کفنی است .

نایب رئیس - پیشنهادی رد شده است که مذاکرات کفنی است (صحیح است) .
(مهندس فریور - آقا بنده عرض دارم) بنا بر این آنچه فرقه اعلام جرمی که شده است البته بدیوان کشور احاله میشود و راجع بشهر باید صحبت کرد . خواهش میکنم آقایان مواظقت فرمائید زیاد صحبت نشود چون دوقره کار لازمی داریم که باید انجام بشود آقای دولت آبادی هم همین نظر را پیشنهاد داده اند که قسمت قابل تعیب بدیوان کشور ارجاع شود (فریور - ارجاع فرمودید) همینطور که شد و آن دوقره دیگر از دستور خارج شود

لوايح ديگر مطرح شود . بنده تصور ميکنم چون اين دو تا راي بيشر لازم ندارد راي بگيريم که تکليف اينکار معلوم بشود .

دولت آبادي - اجازه ميفرمائيد ؟

بعضي از نمايندگان - عده کافي نيست .

اردلان - بيرون شريف دارند .

نايب رئيس - بفرمائيد .

دولت آبادي - عرض کنم آقا عده براي اخذ راي کافي نيست (هميشه) (رنگ

رئيس) اجازه بنهيد آقا چرا طاقت نداريد حرف بشنويد . عده براي راي کافي نيست هر

وقت که يك نفر آمد شماراي بگيريد بنده پيشنهادي در اين موضوع داده بودم براي اينکه

مطابق ماده شش قانون محاکمه وزراء وقتي که گزارش کيسيون مشر بر مجرميت است

بدون بحث بايد ارجاع شود بدويان کشور و موضوع اتهامات باقاي سهيلي تحت تعقيب و

رسيدگي قرار بگيرد و از نظر آقا هم مقصود حاصل شده است و يك قسمتهاي ديگر که

گزارش مثبت نبوده است و بر مجرميت نبوده است آن قسمت بماند براي جدوليه مربوط

بکارمندان دولت امروز مطرح شود و روي آن قسمت هم صحبت بشود .

دکتر مصدق - اجازه ميفرمائيد ؟

نايب رئيس - با اين پيشنهادي که آقاي دولت آبادي کردند مخالفيد ؟ بفرمائيد

جمعي از نمايندگان - عده براي راي کافي نيست .

دکتر مصدق - عده کافي نيست پس باشد .

پور رضا - عده براي راي کافي است .

نايب رئيس - پيشنهادي که آقاي اردلان کردند براي کفايت مذاکرات است

مهندس فرير - اول بايد پيشهاد آقاي دولت آبادي که خوانده شد

راي بگيريد .

نايب رئيس - راي ميگيريم بان پيشهاد آقاي دولت آبادي که آن دو قسمت را

ارجاع کنيم بدويان کشور و بقيه از دستور خارج شود آقا ياني که موافقت باينکه گزارش

راجع به تبرئه آقاي سهيلي از دستور خارج شود بطوریکه آقاي دولت آبادي پيشهاد کردند

قيام بفرمائيد (عده کسي برخاستند) تصويب نشد .

دکتر مصدق - اجازه ميفرمائيد بنده عرضي دارم ؟

نايب رئيس - بنا بر اين مذاکره ميشود نوبت جنابمالي است .

دکتر مصدق - راجع باين اعلام جرم دو فقره مورد تصويب کيسيون

دادگستري بود که بديله ارجاع ميشود (عده اي از نمايندگان - شد) بلي راجع بباقي بايد

صحبت بشود بنده يکدفعه در تبريز بودم يك ساعت و نيم بغروب مانده بود يك شخص روزم

داري که از گرما خيلي تشنه شده بود از يکي پرسيد ساعت چند است گفت يکساعت و نيم به

غروب مانده آن وقت هم کلاه فرنگي خيلي بد بود گفت که اگر امروز غروب شد من شايد

سرم ميگذارم اين رامن آنجا شنيدم حالا بنده هم اين عرض را ميکنم که اگر کار اين آقاي

سهيلي اينجا گذشت بنده شايد کاسرم ميگذارم (خنده نمايندگان) اگر شماديد از مجلس

گذشت هر چه ميخواهيد بفرمائيد (دولت آبادي - گذشت آقا دو فقره اش مطابق قانون

ارجاع شد و گذشت) باقیش پيشهاد پشت سر پيشهاد کرديد که از دستور خارج شود ، چرا

خارج شود ؟ آقا عرض کردم که اينجا آقاي پوررضا فرمايش فرمودند (فرمودند که مجلس

در تحت تأثیر بنده واقع شده) بنده مطابق ماده ۱۰۹ میخواهم در این باب صحبت کنم بنده سؤال از آقا میکنم که چرا این مجلس در افکار زمینه ندارد و مردم باین مجلس خوشبین نیستند؛ فقط برای حمایتی است که از یکمده اشخاص خلافتکاری شده است مثلا آقای حکمت چه کار کرده اند؛ در این مجلس پیشنهادی شده است راجع به نمایندگان کمیسیونی تشکیل بشود نظرش را بدهد هیچ شده؛ نشد؛! از اول دوره دوسال است این اعلام جرائم در کمیسیون دادگستری است اساساً اگر این راهم آقایان هست نکرده بودند خدا شاهد است این از کمیسیون دادگستری خارج نمیشد در آخر دوره میگفتند که در این دوره ده اعلام جرم در کمیسیون دادگستری شده است و کمیسیون دادگستری حمایت از مجرمین کرده بشکایت می کند بنده در اینجا چه نفوذی دارم؛ بنده را در یک ترازو بکشید و آقای پوررضا راهم بکشید دو برابر بنده هستید (خنده نمایندگان) من حرف میزنم مطابق صلاح جامعه؛ نماینده مردم هستم؛ آنچه را که مردم انتظار دارند من اینجا میگویم و مورد توجه است و آنچه را که ایشان میفرمایند مورد توجه مردم نیست (پوررضا - اشتباه میفرمائید) ایشان اشتباه میکنند؛ ایشان جهل میکنند، خودشانهم نمیفهمند که این چیزی را که اینجا میگویند مورد توجه مردم نیست (پوررضا - آقای رئیس اخطار نظامنامه ای دارم) هر کس مطابق وظایف نمایندگی باید صحبت کند. از اشخاص حمایت کردن بر اینکه در موقعی استفاده - کردند این شایسته شأن و کیل نیست، و کیل باید روی صلاح مملکت صحبت کند بر فرض هم که کردید، شما گفتید مطابق صلاح مملکت میخواهم صحبت کنم و گفتید که ما باید در این مملکت خدمت بکنیم مقدمه واجب واجب است ما وقتی که وارد مجلس شدیم بایستی برای ملت کار کنیم آقا وقتی وارد مجلس شدید باید صلاح مملکت را از دست ندهید باید نگاه کنید ببینید آنکسی که بناموس مملکت که انتخابات است خیانت کرده باید مجازات بشود (صحیح است) آقایان نمایندگان نباید از کسی که در انتخابات، در ناموس مملکت و ملت مداخله کرده حمایت بکنیم - این برای مجلس ننگ است که در مجلس از یک چنین اشخاصی حمایت بشود (صحیح است) آقا بشنید رأی بدهید بخدا اگر شما این دوسیه هارا از این مجلس بیرون نکنید برای این مجلس ننگ است. در این مجلس نباید یک پرونده اعلام جرم باشد باید از کمیسیون بیرون بیاید بی مجلس و از مجلس خارج شود تا وقتی که ما از این مجلس خارج شدیم برات نمک حاصل کنیم بموجب قانون محاکمه و وزراء اعلام جرم باید بیاید در مجلس رسیدگی شود و از مجلس خارج شود؛ و الله آنهایی که ۱۸ ماه این اعلام جرائم را در کمیسیون نگاهداشتند خیانت کرده اند؛ این هفت نفر آقایان هشت نفر آقایان خدمت کرده اند خواستند اعاده حیثیت کمیسیون را بکنند (پوررضا - رشوه ندهید و تشویق نکنید آقای دکتر مصدق) من میگویم که تحت نفوذ من واقع شوند من از همه کوچکترم در این مجلس. کسی در تحت نفوذ من واقع میشود این آقایان چه احتیاج دارند که در تحت نفوذ بنده واقع شوند؛ و الله با الله اگر من در این مجلس یک کلام با آقایان صحبت میکنم و یا آقایان با بنده صحبت می کنند که نفوذ من در آنها تأثیر کند. برای چه نفوذ من در آنها تأثیر کند؛ من کاری ندارم من وزیرم من چکواه ام که این حرف را میزنید این حرف ها توهین به نمایندگان است که شما می کنید !!

اردلان - آقا مذاکرات کافی است بنده پیشنهاد کفایت مذاکرات را کرده ام

پوررضا - آقای ملک طبق ماده ۱۰۹ بنده اخطار دارم (زنک رئیس).

فریور - توهینی نشده است *

پوررضا - شما نباید تشخیص بدهید آقای فریور *

نایب رئیس - ماده ۱۰۹ مربوط باین نیست *

پوررضا - چرا تبعیض می کنید ؟

نایب رئیس - آقا شما صحبت نکنید ایراد شما وارد نیست *

پوررضا - بن گفتند حرفهای شما مطابق افکار عمومی نیست (سلطانی - مسلم است)

بنده میخواهم ثابت کنم (همه نمایندگان - خنده) *

نایب رئیس - بگذارید تمام شود این کارها چرا جنجال میکنید ؟

پوررضا - آقای ملک این قسمت را حل فرمائید *

نایب رئیس - جنابعالی اخطارتان وارد نیست خواهش میکنم رعایت نظم را به

فرمائید. بگذارید تمام شود هر وقت مطلبی اینجا مطرح میشود جار و جنجال میکنید که

به نتیجه برسد *

پوررضا - شما تبعیض می کنید *

نایب رئیس - بنده هیچوقت تبعیض نکردم شاید همه آقایان این عقیده را داشته

باشند که بنده هیچوقت تبعیض نکردم *

پوررضا - بهترین مثال و نمونه اش الان است *

نایب رئیس - پیشنهاد آقای اردلان قرائت میشود :

بنده کفایت مذاکرات پرونده آقای سهیلی را پیشنهاد می نمایم و خواهش میکنم

اخذ رأی شود *

نمایندگان - مخالفی نیست *

نایب رئیس - مخالفی نیست بنا بر این شروع میکنیم باخذ آراء، سه فقره است که

ما باید رأی بگیریم و پیشنهادیم از آقایان رسیده است که با ورقه رأی بگیریم *

یکی از نمایندگان - پیشنهاد خوانده شود * (بشرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد آقایان دکتر مصدق - مظفرزاده - فرمند - صدوقاشی - فریور

پیشنهاد می کنیم که در گزارش کمیسیون دادگستری راجع آقای سهیلی باورقه اخذ رأی شود *

نایب رئیس - تأمل فرمائید که اکثریت حاصل شود *

سلطانی - پوررضا عمداً از جلسه بیرون رفت *

نبوی - بنده عرض دارم اجازه می فرمائید ؟

نایب رئیس - درچه موضوعی است اعلام رأی شده است *

نبوی - راجع باعلام رأی است *

نایب رئیس - فرمائید *

نبوی - راجع بنوعه اخذ آراء است موضوع اعلام رأی راجع بآهست از آراء

کمیسیون که برمنع تعقیب اوصاف شده آن قسمت که برتعقیب است که البته قابل ارجاع است

بمدلیه (بله همینطور است) متصور عرض این بود که درقستهای دیگر آقای رئیس توضیح به

فرمائید که اگر رأی بدهند نظریه کمیسیون تأیید شده است و اگر رأی برخلاف بدهند قابل

تعقیب تشخیص میدهند ضمناً این نکته را خواستم عرض کنم که سه فقره گزارش تقدیم شده -

است که هر کدامش راجع بیک موضوع است فقط دو موضوعش قابل ارجاع بود که ارجاع

خواهد شد حضرتعالی تمییز تکلیف فرمائید که دفعه نسبت باین موضوعات رأی گرفته میشود

۲۶۸ ————— اخترای
 یا برای هر کدام جداگانه - این باید کاملاً توضیح داده شود که اشتباه نشود - (زنک رئیس)
 نایب رئیس - مناسفانه آقایان یکفهری کم حوصله هستند شامل نمی کنند اگر
 آقایان دیدید که من و غایبم را انجام ندادم ایراد فرمائید اخطار نظامنامه در مورد رئیس
 است که اگر اشتباه کرد گفته شود اگر چنانچه عده کافی بود بنده همین بانبات جنابعالی را
 تذکر میدادم -

رضناً علیحده علیحده رأی میگیریم برای اینکه شاید یکمده در یک گزارش موافق
 باشند و در گزارش دیگر مخالف (یک نفر از نمایندگان - عده کافی شد) بدو رأی میگیریم
 بگزارش اول (یک نفر از نمایندگان - خلاصه گزارش را فرمائید) راجع بانتخابات
 بندرعباس و شهرضا آقایان توجه داشته باشند اشخاصی که ورقه سفید میدهند خبر
 کمیسیون راجع بتبرئه را تأیید میکنند و اشخاصی که موافق نیستند ورقه کبود
 میدهند یا ممتنع هستند و ممتنع هم جزو مخالف محسوب است این را هم البته سابقه
 دارند باز هم از حیث تذکر عرض کردم عده حاضر در مجلس هشتاد نفر .
 (اخذ و شماره آراء بعمل آمده ورقه سفید و بیست و هشت ورقه کبود
 تعداد شد) .

نایب رئیس - چون خبر کمیسیون تصویب نشد بدیوان کشور ارجاع میشود .
اسامی موافقین: آقایان دکتر طاهری - افشار صادقی - شریعت زاده - مجد ضیائی
 جمال امامی - فرهودی - گیو - اسکندری - فرود - عماد تربتی - ملایری - رضارفعی -
 دهستانی - حیدرعلی امامی - ذوالقدر
اسامی مخالفین: آقایان پروین گنابادی - دکتر فلسفی - دولت آبادی - طوسی
 فداکار - خلعتبری - حبیب الله معیط - کامبخش - مؤید قوامی - دکتر کشاورز - دکتر
 مجتهدی - مصمم بختیاری - دکتر مصدق - عزت الله بیات - رفیعی - رحیمیان - سلطانی
 آشتیانی - کاظمی - تولیت - حشمتی - حسنعلی فرمند - اعتماد - فولادوند - لنگرانی
 مهندس فریور - مهدی عدل - ذکائی .
 ورقه سفید بیستم (علامت امتناع) : ده .

نایب رئیس - قسمت دوم راجع باعلام جرم جرایم در سه فقره : یکی توقیف جرایم
 دوم تفسیر قانون حکومت نظامی ، سوم قیام بر علیه حکومت ملی - بطوریکه قبلاً هم عرض
 کردم باز تکرار می کنم آقایانی که با خبر کمیسیون موافقت ورقه سفید میدهند مخالفین ورقه
 کبود و ممتنعین هم جزء مخالفین محسوب میشوند .
 (اخذ و شماره آراء بعمل آمده بیست و هشت ورقه سفید و دوازده ورقه کبود
 شماره شد) .

نایب رئیس - خبر کمیسیون تصویب نشد بنابراین بدیوان کشور ارجاع میشود .
اسامی موافقین: آقایان مؤید تاجی - دکتر زنگنه - محمدعلی مجد - فرهودی
 نبوی - دکتر طاهری - منصف - عماد تربتی - اسکندری - خاکباز - ملایری - پیراسفندیاری
 مجد ضیائی - صادقی - گیو - حبیب الله معیط - ظفری - مرآت اسفندیاری - قنات - رفیعی
 بیات - اعتماد - دهستانی - امامی - کاظمی - شریعت زاده - افشار صادقی - لایقره
اسامی مخالفین: آقایان دکتر فلسفی - پروین گنابادی - عدل - فداکار - دکتر -
 مصدق - دکتر کشاورز - لنگرانی - خلعتبری - مهندس فریور - مؤید قوامی - سلطانی
 کامبخش .

تجدید مطبوعات

روزنامه «جبهه» در شماره ۳۰۷ مورخ سه شنبه بیست و یکم اسفندماه ۱۳۴۴ بقم آقایی- ارسلان خلعتبری تحت عنوان « غلبه دکتر مصدق بر این باند غلبه حق بر باطل است » می نویسد: « ... دکتر مصدق اول کسی بود که در مجلس سپه‌پلی تاخت و گفت انتخابات دوره چهاردهم بواسطه دخالت دولت در اغلب جاها قانونی نیست، آنروزی که این کلمات از دهان



او بیرون آمد بر اعضاء باند گوارا نبود زیرا اگر سپه‌پلی محکوم میشد آنها هم محکوم می شدند چه سپه‌پلی از پیش خود کسی را انتخاب نکرده بود عده با بنزد کنسول ها رفته و از آنها معرفی شده بودند یا مستیماً با سپه‌پلی راه داشته و او را تحت نفوذ یا تطبیح قرار دادند بنا بر این اگر سپه‌پلی محکوم است اینها هم محکومند همانطوری که فی‌الثل اگر مرد زناکار مجازات میشود زنی هم که بزنا تن داده قابل مجازات است.

اما از همان روزی که دکتر مصدق به سپه‌پلی در مجلس تاخت این باند برای حفظ خود و اینکه در دوره پانزدهم هر کس بجای سپه‌پلی باشد اطمینان حاصل کند که مثل سپه‌پلی بوسیله این باند مسلح بقانون محفوظ خواهد بود بدست و پا افتاد - موضعی که فرخ اعلام جرم نسبت به سپه‌پلی کرد همه تعجب کردند که

آقای ارسلان خلعتبری نویسنده
دانشنامه آزاد بخوان

چگونه ممکن است آنهایی که بزور و فشار دولت بوکالت رسیده اند حق نمک را در باره منعم خود بجا نیاورند؟ - این انتظار مردم صحیح بود اینها نمیخواستند چنین کاری کنند ولی ساجت و اصرار و پشت کار و تند و کوشش فوق العاده دکتر مصدق بالاتر و بیشتر از آن بود که تصور میشد. این باند از هر طرف سعی کرد بدکتر مصدق بتازد و او را نزد ملت کوچک کند بهترین دلیل شکست این باند در مقابل دکتر مصدق همین زانو زدن و فرستادن یا تماشا کردن فرستادن پرونده سپه‌پلی بدیوان کشور است. این باند نشان داد که میخواهد تکذاب پرونده سپه‌پلی از مجلس خارج شود و بهترین دلیل آن، عمل کمیسیون دادگستری در صحت ۱۸ ماه و سکوت مجلس در مقابل آن بود.....



آقای سر تپ کتالیان حاکم نظامی تهران در اوایل
۱۳۱۵ (عکس مربوط به صفحه ۴۹۶)

دکتر مصدق چقدر در این مبارزه تلاش نموده و چقدر برای او موفقیت دشوار بوده است - زیرا در مقابل این باند قوی شخصیت و فعالیت و استقامت دکتر مصدق بود که توانست - خیلی زود تسلیم عدالت نماید این موفقیت را که بدست و کیل اول ملت ایران تحصیل شده باید غلبه حقیقت بر باطل دانست و بدکتر مصدق در نیل بدین هدف تبریک گفت - آفرین بر وطنخواهی و شرافت ذاتی و حق پرستی و پشتکار و شخصیت تو ای دکتر مصدق ، تو نماینده واقعی مردم هستی که میدانی افکار عمومی چه میخواهد و برای تحصیل آن مبارزه میکنی ، از هیچ چیز نمیترسی و کار خود را میکنی ، تو سهیلی را فقط بدست عدالت نسپاردی، تو مجلس چهاردهم را محکوم کردی بغیر ملی بودن، تو رسماً سند گرفتی که دولت در انتخابات دخالت کرده و قانون اساسی را زیر پا گذارده - این سند برای ایران بسیار عمده است . ما اکنون نمیدانیم دستگاه عدالت در مقابل این باند میتواند مبارزه کند یا نه؟! با این دلایل و کرد-های خرابه سنگلج نیز میدانند این اعمال دخالت در انتخابات است ... »

يك بحث اساسی درباره :

دادرسی تدین و سهیلی در دیوان کشور

از آنچه گذشت معلوم شد پس از يك سلسله مبارزات بی نظیر و مخصوصاً کوشش و مجاهدات مردانه نماینده واقعی ملت ایران، مجلس شورای ملی بر طبق ماده ۵ و ۶ قانون « محاکمه وزراء و سیدکی بانها مات منسبه با آقایان تدین و سهیلی را بدیوان کشور ارجاع نمود .

دیوان مزبور دارای هشت شعبه است که معمولاً از ۳۲ نفر مستشار تشکیل میشود و در سال ۱۳۲۶

دادرسان دیوان کشور
در محاکمه سهیلی و تدین

که پرونده متهمین مزبور در آن مطرح شد این آقایان بر مسند قضا بوده و دادرسی نموده اند :

شعبه اول: آقایان جهانشاهی - دکتر خوشبین - آشتیانی (غایب با اجازه در محاکمه تدین) - آموزگار - ویشگاهی (در دادگاه املاک موقع محاکمه تدین) اعتماد مقدم .

شعبه دوم: آقایان لطفی - (که در محاکمه تدین در دیوان کشور نبوده اند) محمود دره - سید عبدالرسول پویان - محمد صدر (که بعد از محاکمه تدین بدیوان کشور و عضویت این شعبه وارد وزارت استگان نزدیک صدر الاشراف است)

شعبه سوم: آقایان امامی - شهیدزاده دآدرس - عبدالباقی جمشیدی - رضا - هنری (که هنگام محاکمه سهیلی دادستان دیوان کیفر بوده اند)

شعبه چهارم: آقایان نقوی - رسا - محمود هدایت - مهدی شریعت زاده (که هنگام محاکمه سهیلی آقای ابوالفضل صدر از بستگان نزدیک صدرالاشراف قائم مقام ایشان شده اند)

شعبه پنجم: آقایان جوان ، دکتر قاضی - غیائی - صفی نیا

شعبه ششم: آقایان رضوی (که در محاکمه تدبیر مریض بوده و برحمت ایزدی بیوسته هنگام محاکمه سهیلی آقای حائری رئیس شعبه و قائم مقام مرحوم رضوی بوده اند) مرتضی دادباز - لواسانی - شیرازی (که هنگام محاکمه تدبیر در دیوان کشور نبوده)

شعبه هفتم: آقایان جمال اخوی - زنجانی - هدایتی (که چون آقای دکتر محمد علی هدایتی فرزند ایشان وکیل مدافع سهیلی بوده لذا موقع محاکمه در دادگاه حاضر نشده است) - میر مطهری

شعبه هشتم: آقایان حشمت الله قضائی - سامنی - کسرکانی - محمود عرفان



عده ای
از قضات
دیوان
کشور

خوانندگان محترم میدانند که تبرئه آقایان سهیلی و تدبیر مورد اتفاق تمام

دادرسان نبوده و بعضی از آنها مخالف بودند که عقیده و اسامی مخالفین ذیل رأی دیوان کشور خواهد آمد.

در صلاحیت دیوان کشور

آنچه مذکور شد راجع به تشکیلات دیوان کشور است و اما راجع به صلاحیت دیوان مزبور اصل

۷۵ قانون اساسی چنین مقرر میدارد: «در هیچ محاکمه ابتدائی رسیدگی نمیکنند مگر در محاکماتی که راجع بوزراء باشد.»

بنابراین بگانه دادگاه صلاحیتدار برای رسیدگی با اتهامات منتسبه بوزراء دیوان مزبور است و برطبق اصل ۶۹ متمم قانون اساسی باید: «با حضور تمام اعضاء محاکمات دائره خود، محاکمه نماید.»

و چون توجه ما بیشتر بدخالت‌هایی است که وزراء متهم در انتخابات نموده‌اند زیرا آزادی انتخابات برای هر کشوری قضیه حیاتی است و سرآمد تمام اصلاحات است و بمقیده آقای دکتر مصدق که در مقدمه این کتاب بآن اشاره نمودیم خشت اول بنای مشروطیت ایران است چه اگر مجلسی از نمایندگان حقیقی ملت تشکیل شد سارقین و غارتگران اموال عمومی تحت بازجوئی و دادرسی قرار میگیرند و بکیفر اعمال خود میرسند و الا کدام محکمه و یا کدام دیوانی است که خلافکاران بزرگ و تحت الحمايه را محکوم نماید بنابراین ما در اتهامات دیگری که بنام بردگان نسبت داده شده اظهار عقیده نمیکنیم و فقط اتهامات راجع بدخالت در انتخابات را موضوع مطالعه قرار میدهیم تا معلوم شود که دادگاه حکمی بحق نموده یا نشود ماست موادی که مورد استناد است همان موادی است که خود دادستان در ادعا نامه بآنها اشاره کرده و از این قرار است:

مواد مورد استناد ما

ماده ۸۳ قانون مجازات عمومی: «هر يك از اشخاص مذکور در ماده قبل که برخلاف قانون آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا افراد ملت را از حقوقی که قانون اساسی بآنها داده محروم نماید از شغل خود منقصل و از پنج تا ده سال از حقوق اجتماعی محروم خواهد شد.»

ماده ۹۴ قانون مجازات عمومی (قسمت اخیر آن): «... مجازات اشخاصی که در موقع انتخابات تهدید یا تعظیم مینمایند همان است که در قانون انتخابات مقرر است» و برطبق ماده ۱۴۴ انتخابات، مجازات آنها از سه ماه الی یکسال حبس است.

ماده ۱۴۹ قانون مجازات عمومی: «هر يك از مستخدمين دولتي در هر رتبه و مقامی كه باشد هر گاه برای جلوگیری از اجرای اوامر كشي دولتي یا اجرای قوانین مملكتی یا اجرای احكام یا اوامر عدلیه یا هر گونه امری كه از مقامات قانونی صادر شده باشد قدرت رسمی خود را اعمال كند از خدمت دولت منصل خواهد شد.»

ماده ۳ قانون مجازات اعمال قو ذ معصوب ۱۳۹۵ ذر ۱۴۹: «مستخدمين دولتي یا شهرداری یا كشوري یا مأمورين بخدمات عمومی كه خود اشخاص را در اقدامات یا تصمیمات اداری خود تأیید کنند بجز در صورت از شغل دولتي از ذوالی پنج سال معکوم میشوند و در صورتی كه اقدام یا تصمیم مزبور مستلزم تقویت حقی از اشخاص یا دولت باشد معکوم بافضال ابد از خدمات دولتي خواهند شد مگر اینکه این عمل مشمول قوانین دیگر جزائی باشد.»

پس از ملاحظه مواد فوق الاشارة توجه خوانندگان محترم را بدو مطلب اساسی زیر جلب میکنیم:

بیان دو مطلب اساسی

اول اینکه قانونگذار در بسیاری از موارد که مشمول مواد نامبرده میشود نظری به نتیجه ندارد چنانچه وزیر تهدید کند و بکسی بگوید اگر زید انتخاب نشود «منتظر خدمت» میشود و بسا اینکه قدرت رسمی خود را اعمال کنند و چنین اظهار نماید انتخاب عمر و از فلان نقطه «مقتضی» نیست و او اینکه زید انتخاب نشود و با اینکه عمر و انتخاب شود تهدید و اعمال قدرت رسمی است و جرم شناخته میشود و تهدید کنند و اعمال کنند قدرت رسمی مشمول کیفر هائی است که ماده ۹۲ و ۱۲۹ قانون مجازات عمومی مقرر کرده است.

دوم اینکه مصداق حقیقی کلمه تهدید که مافوق اعمال قدرت رسمی است در سایر منالك چیست؟

فرهنگ «لاروس» تهدید را چنین تعریف میکند: «حرف و یا اشاره بکسی از کار بدی که نسبت باو میخواهند بکنند.»

فرهنگ حقوقی «دالوز» در تعریف کلمه «تهدید» چنین گوید: «کلمه تهدید بمعنای اعم، اعلامی است بکسی از کار بدی که اعلام کننده تهدید نسبت باو در نظر گرفته است.»

البته در هر حالتی تهدید آثار مخصوصی دارد مثلاً با آن حرفی که يك نفر ایراتی را میشود تهدید کرد یکی از اهالی انگلیس را تمیثود تهدید نمود.

در سال ۱۹۱۳ دولت سوئیس مانوری از ۸۰ هزار قشون در کنار دریاچه «کنستانس» تشکیل داد که ویلهلم امپراطور آلمان هم در آنجا حضور داشت. معروف است که امپراطور یکی از سربازان دهانی ساکن آن قسمت از سوئیس را که بزبان آلمانی صحبت میکنند صدا کرد و گفت: «اگر من بجای ۸۰ هزار نفر ۱۶۰ هزار نفر در اینجا حاضر کنم توجه خواهی کرد؟» - البته ما تصور میکنیم که آن سرباز گفته باشد: «قریان هر امری بفرمائید غلام خائز اطاعت میکنم» در صورتی که آن دهانی با امپراطور گفت: «ما هم بجای ۸۰ هزار ۱۶۰ هزار فشنگ مصرف می‌مائیم» بنابراین در چنین مملکتی هیچکس زیر بار تهدید نمیرود و تهدید کننده هم چسبون میداند که گرفتار دادستان خواهد شد تهدید نمیکند پس وقتی در این قبیل ممالک حرف یا اشاره بکسی از کار بدی که نسبت با او میخواهند بکنند تهدید تلقی شود در این مملکت که مجلس شورایی بهر چه دیکتاتور اشاره میکرد رأی میداد و خود دادستان بکوچکترین تهدید سرفرود میارزد و کوچکترین اعمال نفوذ در مستخدمین دولتی که راه معیشتی غیر از خدمت دولت ندارند اثر میکند کمترین اظهاری از مافوق بسادون برای انجام کاری باید در حکم تهدید تلقی شود.

اکنون تمام وسایلی که برای تشخیص حق لازم است باختیار عموم خوانندگان و مخصوصاً طبقه تحصیل کرده میگذاریم تا بتوانند در دادرسی های دیوان کشور که در سال ۱۳۲۶ واقع شده قضاوت کنند و صحیح را از سقیم و حق را از باطل تفکیک نمایند و به تبلیغات مغرضانه اشخاص و قبیله نگذارند و چون هر کاری اول از حرف شروع میشود از طبقات تحصیل کرده و روشنفکر کشور انتظار داریم که آنچه مخالف قانون واقع شده در روزنامه ها و مجالس و محافل بنویسند و نقل کنند و تکرار نمایند: «تا نگرید طفل کی گیرد لبن» و بجامعه حالی کنند و بفهمانند که نقص ما فقط در «عمل» است و آنهم بهمت اصلاح طلبان امور اجتماعی و عاشقان سعادت و ترقی مملکت مرتفع خواهد شد اکنون متن ادعای نامه دادستان کسل را نسبت

ادعای نامه دادستان در مورد
التهامات منتسبه با آقای تدین

با اتهامات منتسبه با آقای تدین از روزنامه «اطلاعات»
شماره ۶۳۴۷ مورخ ۲۶ اردی بهشت ۱۳۲۶

نقل مینمائیم و قبلاً باید دانست که ادعای نامه نامبرده بدو قسمت تقسیم شده: قسمت اول

آن مربوط بدخالت‌های متهم در انتخابات بندر عباس و بلوچستان و قسمت دوم آن دائر بتصویب پیمان مبادله قند و شکر باغله در آذربایجان میباشد که ما از ورود در قسمت دوم بدلائلیکه در صفحه ۳۷۳ ذکر شد صرف نظر میکنیم و نظریات خود را بآن قسمتی که مربوط بانتخابات است و بستگی با آزادی افراد و استقلال مملکت دارد محدود مینمائیم.

اینک متن ادعای نامه :

دیوان عالی کشور !!

پیرو نامه‌های شماره ۱۹۱۴۱ مورخه ۱۰ ر ۳۲۴۱ و شماره ۳۰۰۷۳ مورخه ۱۸ ر ۱۰ ر ۳۲۴۱ راجع باتهامات منتسب با آقای تدین اینک توضیحات زیر برای تشریح مراتب اتهامیه اشعار میگردد :



آقای علی‌هیئت دادستان دیوان کشور

آقای سید محمد تدین فرزند سید محمد تقی اهل بیرجند ساکن تهران متولد ۱۲۶۰ شمسی باسواد بدون پیشینه کیفری متهم است که در سال ۱۳۲۹ موقعی که وزیر کشور بوده برخلاف قانون در امر انتخابات بندر عباس و بلوچستان مداخله کرده و نیز متهم است موقعیکه وزیر خوار بار بوده بواسطه عقد یک قهر پیمان و خرید مقداری غله در آذربایجان منافعی برای دیگری تحصیل و موجب ضرر دولت شده است و همچنین بواسطه پرداخت یک میلیون و نیم ریال وجه نقد و مقداری قند و شکر به پیمانکار مرتکب تصرف غیر قانونی در اموال دولت شده اینک شرح جریان امر و دلایل توجه اتهامات در هر یک از دو قسمت بطور جدا گانه توضیح میشود :

قسمت اول - مداخله در امر انتخابات

در تاریخ ۱۰ فروردین ۲۳ آقای فرخ نماینده وقت نسبت به آقای تدین وزیر سابق کشور راجع بدخالت ایشان در امر انتخابات پاره تقاط در مجلس شورای ملی اعلام جرم نموده و پس از طی مراحل خود در مجلس برای رسیدگی بدیوان کشور فرستاده شده است.

۱ - مداخله متهم در انتخابات بندر عباس

از محتویات پرونده وزارت کشور و تلگرافات رمز آن معلوم میشود که آقای تدین زمینه انتخاباتی اشخاص را از آقای گرکانسی فرماندار وقت استعلام میکند فرماندار بشماره ۳۰۳۸ تلگرافا جواب میدهد که « کاندیدهای انتخابات به ترتیب مصباح زاده - مشیر - دوانی و گله‌داری است. »

آقای تدین بشماره ۱۲۲۹ مورخ ۱۳ ر ۲۲۹۱۳ تلگراف میکند: « اولی مقدم است » و پیرو این تلگراف بشماره ۱۲۳۴ مورخ ۱۳ ر ۲۲۹۱۳ دستور میدهد: « عمل شما باید تغییر محسوس

و یکی محرمانه باشد»

در تحقیقات از متهم علت این تلگراف ها سوال شده پاسخهای متضاد و متفاوت میدهد. گاهی میگوید: «بعد از آنکه تلگراف شماره ۱۲۲۹ (اولی مقدم است) را امضاء کردم فردایش از جهانبانی متصدی اینکار پرسیدم تلگراف مضایقه شده یا نه گفت بله - بفکر اقدام که مبادا فرماندار باین تلگراف ترتیب اثر بدهد دستور دادم تلگراف دیگری تهیه کند که تلگراف اولی را غیر عملی نشان دهد و فردای آنروز تلگراف های زیادی آوردند

یکی همین بود که عمل شما غیر محسوس و محرمانه باشد و بدون توجه بمتن آن امضاء کردم» جای دیگر میگوید: «تلگرافها در محل بنابینده مصباح زاده داده میشد امکان نداشت طوری دیگر تلگراف کنم (صفحات ۱۱۳ و ۱۱۴ تحقیقات) باز میگوید: «در اجماع به بندر عباس تحت یک فشار هائی بودم



آقای هشتالی دادپار دیوان
کشور در محاکمه تدین

آقای مہشری بازپرس دیوان کینر مأمور
تحقیق قضائی از پرونده تدین

برای انتخاب شدن دکتر مصباح زاده» (صفحه ۶۷ بازپرسی) در جای دیگر میگوید:

«از یک مراکز اقتداری فشار هائی بینده وارد شد که من مجبور شدم چنین دستور هائی بدهم» (صفحه ۹۲) ایضا گفته: «گر کانی بنا به اقدامات مصباح زاده فرمانداری بندر عباس انتخاب شد و پس از رفتن بمحل فهمیدم که برای طرفداری آورفته است و از آنوقت طرف اعتماد من نبود» (صفحه ۱۱۴) و هیچ يك از این دفاع های متهم موجه نیست زیرا که دلالی برای «اجبار» خود ذکر نکرده و اگر فرماندار طرف اعتماد او نبوده و طرفداری از انتخاب دکتر مصباح زاده میکرد، متهم که وزیر کشور بود میتواند او را تیسیر بدهد چنانکه بعد از آقای تدین بر اثر شکایات محل وزارت کشور آقای - گر کانی را تیسیر داد و شخص دیگری مأمور شد که در نتیجه آقای دکتر مصباح زاده انتخاب نگردید.

۳. حدانگله در انتخابات بلوچستان

هنگام جریان انتخابات بلوچستان آقای خزیمه علم فرماندار زاهدان در جواب تلگراف وزارت کشور دایر بمعرفی کاندید های آن حوزه آقایان: ارباب مهدی، فرخزاد، حیدر علی کرد، مرادریگی را معرفی میکنند ضمناً سوای بق سوہ «مرادریگی» را توضیح میدهد (تلگراف ۱۴۴-۱۲/۷/۳۲۲)

آقای تدین ضمن تلگراف رمز شماره ۹۲۰ مورخه ۲۲۲۷۱۶ فرماندار تاکید

میکند: «بطوری که کراراً تذکر داده شده مصلحت کشور مقتضی است که نماینده محلی انتخاب شود و باید سعی نمایید منظور دولت تامین گردد» و متعسودش انتخاب مرادریگی بود و حال آنکه از اطلاعات محلی فرماندار زاهدان و اظهارات آقای دیدار فرمانداریم که بعنوان بازپرس از طرف آقای تدین مأمور زاهدان بوده (س ۱۶۸ بازجوئی) و محتویات دیگر پرونده معلوم میشود که مرادریگی در محل حسن شهرت نداشته و مردم شکایت ها از خویشان و بستگان ریگی که در رأس دواپس دولتی محل بودند و بفتح او کار میکرده کرده اند.

با وجود این آقای تدین با تلگرافهای مکرر اصرار در انتخاب ریگی داشته و در ذیل تلگراف شماره ۹۰۵ مورخه ۱۲/۷/۳۲۲ این جمله تهدید آمیز را «سعی ننمایید منظور فوق علی گردد و الا موجب زحمت خواهد بود» بکار برده است. فرماندار زاهدان در ضمن نامه محرمانه بشماره ۱۴۷ مورخه ۲۵/۸/۲۲ با آقای تدین مجدداً سوابق نامطلوب مرادریگی را تذکر میدهد و همچنین تذکر داده که «بلوچ» سرداران مهم دیگری دارد و یکی از آنها خالی از زینت نیست و عدم جلوگیری از کاندیدهای غیر محلی هیچگونه زحمتی تولید نخواهد کرد و بلکه اقدام علنی بفتح ریگی موجب سروصدا و زحمت خواهد شد و تلگراف ۱۹۱ مورخه ۳۶/۳/۲۲ و اقدام بعضی رؤسای دواپس که از خویشان ریگی هستند مخالف قانون و آزادی انتخابات است» و سپس فرماندار مزبور برای اثبات اظهاراتش تقاضای بکنفر بازپرس میکند آقای تدین در جواب این اظهارات فرماندار تلگراف بشماره ۱۱۷۱ مورخه ۲۸/۸/۲۲ میگوید: «دستوری که داده شده باید اجرا شود» و چند جریان انتخابات را توقیف و فرمانداریم (آقای دیدار) را بسمت بازرس مأمور مینماید و فرماندار زاهدان تلگراف میکند (شماره ۲۶۳ مورخه ۲۲/۹/۲۲) «پرونده انتخاباتی را در اختیار آقای دیدار بگذارید» و بشماره ۱۲۶۴ مورخه ۲۲/۹/۳۲۲ با آقای دیدار تلگراف میکند: «منظور از حکم ۱۲۸۴ انتخاب مراد ریگی نماینده سابق است انتظار دارم با نهایت متانت انجام دهید» و آقای خزیمه علم فرماندار که موافق با اجراء دستور نبوده به عنوان مرخصی از محل خارج و فرسخ زاد که از کاندیدها بوده بدستور آقای تدین بکرمان تبعید میشود مشارالیه مجدداً بمحل مراجعت و بر سر اینکار بقتل میرسد در این اثنا آقای تدین از کلبر کنار و وزیر جدید طبق تلگراف شماره ۱۵۲۳ مورخ ۴/۱۲/۳۲۲ دستورهای سابق را مبنی بر انتخاب ریگی ملغی میکند ولی چون اکثر مأمورین از کسان ریگی تعیین شده بودند با اعمال وسایلی اکثریت را بنام ریگی تهیه کردند لکن بقدری جریان مغشوش بود که مجلس نتوانست اعتبارنامه او را تصویب نماید آقای تدین در جواب بازپرس در مقام دفاع از این اصرار و جانبداری خود نسبت به مراد ریگی متوسل به علل سیاسی میشود (صفحات ۱۰۰ تا ۱۰۹) و «گاهی میگوید: «میخواستم کار بدفع الوقت و هماطله بگذرد تا فکر مناسب تری برای انتخابات آنجا بشود» و این عذر نا موجه و محقق است که اصرار آقای تدین در انتخاب «ریگی» فقط بمنظور شخصی بوده و لذا پس از برکناری ایشان از وزارت و اتخاذ رویه عدم مداخله در انتخابات هیچ سانه ای رخ نداده و عمل آقای تدین چه در موضوع انتخابات بنمرحله و چه در موضوع انتخابات بلوچستان جرم تشخیص و از لحاظ تبعیض دواجرای قانون منطبق با ماده الحاقیه ۲۸۰ قانون کیفر عمومی و از حیث تهدید فرماندار زاهدان طی تلگراف شماره ۹۰۵ باینکه «سعی ننمایید منظور فوق علی گردد و الا موجب زحمت خواهد شد» منطبق با ماده ۹۲ قانون مزبور و ماده ۴۴ قانون انتخابات و از جهت سلب حقوقی که قانون اساسی با افراد ملت داده است و تبعید فرسخ زاد

بکرمان بنظر اینک نتواند در انتخابات شرکت نماید منطبق با ماده ۸۳ و از حیث اعمال قدرت رسمی برای جلوگیری از اجرای قانون دستور هائی که برای جلوگیری از جریان انتخابات بطور آزاد داده است منطبق با ماده ۱۲۹ قانون مجازات عمومی و از حیث تأثیر دادن خود اشخاص و مقامات غیر صلاحیتدار (با باقرهای خویش) منطبق با ماده ۳ از قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق مصوب ۲۹ آذر ۱۳۱۵ است و در حدود مواد مذکور صلاحیت تعیین مجازات میباشد.

استرداد آن قسمت از ادعا نامه

که مربوط با انتخابات بندر عباس است!

خوانندگان ملاحظه نمودند که در ادعا نامه از قول آقای تدین نقل شده :



آقای دکتر مصباح زاده کاندید انتخابات
دوره ۱۴ از بندر عباس

« برای انتخاب شدن دکتر مصباح زاده از يك مراکز اقتدارى فشار هائى به بنده وارد شده كه من مجبور شدم چنين دستور هائى بدهم » كه بر طبق اين اقرار عمل تدین مشمول ماده ۳ از قانون مجازات اعمال نفوذ است كه از نظر خوانندگان محترم گذشت و دستورهای ایشان كه در ادعا نامه مندرج است تلگرافات رمزى است كه تدین بگرگانى فرماندار نموده كه برای توجه خوانندگان يك بار ديگر آنها را تکرار ميكنيم :

(۱) - سوال از فرماندار راجع به زمينه انتخاباتى اشخاص

(۲) - جواب فرماندار بشماره ۳۰۴۸ كه كاندید های انتخابات بر تيب مصباح زاده - مشير جوانى و گله دارى است.

(۳) - تلگراف تدین بشماره ۱۳۲۹ « اولى مقدم است » كه مشمول ماده ۱۳۹ قانون مجازات عمومى است .

(۴) - ايضاً تلگراف شماره ۱۳۳۴ تدین فرماندار: « عمل شما بايد غير محسوس و محرمانه باشد » كه مشمول ماده ۱۳۹ قانون مجازات عمومى ميشود و چون مذاكره در اين قسمت از ادعا نامه در ديوان كستور كه تحت نظارت مردم تشكيل ميشد پير اكثر اقتدار بر ميخورد لازم بود كه داستان دعواى خود را نسبت

به انتخابات بندر عباس استرداد کند و باراً اکثریت اعضای دیوان کشور هم که میبایست تدین را تبرئه کنند سنگین نشود این بود که سه روز بعد یعنی در ۲۹ اردی بهشت جریده «اطلاعات» در شماره ۶۳۵۰ خبر داد: «در باره انتخابات بندر عباس آقای دادستان عملیاتی را که صورت گرفته برای متهم جرم ندانسته ولی مداخله در انتخابات بلوچستان را جرم تشخیص داده اند» و معلوم نیست که عدول از وظیفه وجدانی و وظیفه قضائی بنابر اظهارات خود دادستان در محاکمه سهیلی که در اینجا استطراداً نقل میشود تحت تأثیر کدام يك از مراکز اقتدار بوده است؟!....

روزنامه «اطلاعات» در شماره ۶۸۰ تا ۶۵ مورخ ۲۷ بهمن

۱۳۲۶ مینویسد: «امروز پس از رسمیت یافتن

از بیانات دادستان کل
در محاکمه سهیلی

جلسه آقای هیئت دادستان کل دیوان کشور اظهار نمودند که دادستان در مورد دعوی جزائی دوروظیفه دارد یکی تکلیف و وظیفه قضائی یعنی بردن هر دعوائی را با ذکر دلایل آن بداد گاه و این امر ممکن است برخلاف عقیده شخصی خود دادستان باشد ولی مکلف است که انجام دهد دیگر يك وظیفه وجدانی است که ممکن است دادستان در جلسه دادرسی برخلاف آنچه قانونی بنظر میرسد شخصاً اظهار عقیده کند البته اینگونه اظهارات يك نظر شخصی است و مطابق آنچه که از دلایل اقامه شده و جریان امر استنباط نموده بیان میکنند ولی باید دانست که این امر استرداد دعوا محسوب نمیشود و دادستان وقتی که دعوا را بداد گاه برد نمیتواند آنرا پس بگیرد و حکم قطعی منوط بر آئی هیئت دادرسان داد گاه است بنابر این عقاید شخصی را نباید با اقامه دعوا اشتباه کرد.»



بنا بر اظهارات فوق اگر استرداد دعوی راجع به انتخابات بندر عباس یا «کان لم یکن» بودن آن از نظر وظیفه قضائی بوده چرا دادستان دلیلی برای اظهارات خود ذکر نکرده است؟! زیرا همانطور که دعوا بدلایلی اقامه شده بدلایلی هم باید «کان لم یکن» شود و چنانچه اظهارات ایشان از نظر وظیفه وجدانی بوده کدام وجدان اجازه میدهد که ملت ایران از انتخابات مجلس چهارده اظهار تفریبی اطلاعی کند و دادستان مسئولین انتخابات را که در راس همه

تدین و سهیلی بوده اند مستول ندانند و اینکه گفته اند « دادستان وقتی که دعوا را بداد گاه برد نمیتواند آنرا پس بگیرد» برخلاف عقل و منطق است. فرض کنیم که دو نفر در يك خانه سکنی دارند و یکی از آنها بواسطه مسموم شدن فوت کرد و دادستان هم ممکن او را بدلائل و قرائنی که دارد تعقیب نمود و پس از طرح دعوا از مسموم خطی بدست آورد که هیچکس قاتل او نبوده و او خودکشی کرده آیا در این مورد دادستان نمیتواند ادعای خود را استرداد کند؟ مراد از «استرداد» گرفتن ورقه ادعای نامہ نیست بمحض اینکه دادستان خط مسموم را ارائه نمود ادعا مسترد و کان لم یکن شده است یعنی در داد گاه طرفی ندارد که داد گاه بآن رسیدگی کند بشا بر این بدادستان. ایراد



سید حالی یا دانشجوی معقول

از این جهت وارد است که تدین را در انتخابات بندر عباس با ادله و برهان مجرم تشخیص داده و بعد بدون ذکر دلیل ادعای خود را کانت لم یکن دانسته و خود را مشمول ماده ۳ قانون مجازات اعمال نفوذ نموده است که این عمل در جامعه بقدری تولید تنفر نمود که یکی از جوانان حساس (آقای حائری نیا دانشجوی دانشکده معقول) در خود داد گاه احکامات شدیدی بر علیه آن ابراز کرد و بجای اینکه دادستان را تعقیب کنند او را توقیف نمودند و البته دادستان مطمئن است که در تحت حمایت

مراکز اقتدار و سیاست واقع شده و هیچکس نمیتواند ایشان را تعقیب نماید !!!

در داد گاه پس از اینکه نوبت سخن با آقای تدین رسید مشار الیه شرح مبسوطی از زندگی سیاسی خود بیان و سپس نسبت با اتهامات متهم نیز مدافعاتی

يك قسمت مؤثر از دفاع متهم

نمود که اینک ما مؤثر ترین قسمت آنرا از روزنامه «اطلاعات» شماره ۶۳۵۷ مورخ

۶ خرداد صفحه ۳ ستون اول نقل مینمائیم :

«... فروغی نخست وزیر بود، فرار بود که دوره سیزدهم هم تشکیل شود، تا هنگام بروز وقایع شهریور انتخابات دوره سیزده پایان یافته بود. در همین تبریز آراء بصندوق زفته

ولی قرائت نشده بود .

مرحوم فروغی از لحاظ مصالحت کشور آن ۱۳۶ قری را که واقعاً آزاد انتخاب شده بودند از صندوق درآورد و گفت چون باید مصالحت را در نظر داشت باید همین ها بروند و حتی بتلگراف اهالی آذربایجان توجهی نکرد و یک سر لشگری را فرستاد که با حضور او همان آراء را خواندند - درست است عده ای هم زمینه محلی داشتند . وقتی که مصالحت مملکت اقتضا دارد که مجلس سیزده را بانصورت تشکیل و پیمان منعقد کنند و آن پیمان نافع ترین عمل گائینه فروغی بود آنوقت بنده دو تلگراف بدو قضا کردم و نتیجه هم نداد هر دو قضا هم مرز نبود، آیا باز باید مرا تعقیب کنند ؟!»

قسمتی از دفاع و کلاهی متهم

آقای اوپسی یکی از وکلای مدافع تدین راجع

باتنخابات بندر عباس این بیان مؤثر را گفت:

ازاینکه آقای هیئت دادستان کل دیوان عالی کشور

اقدامات آقای تدین را جرم ندانند خوشوقتم اگر هنگام تنظیم کیفرخواست -ت قاضی دیگری غیر از آقای مبشری نزد دادستان کل بود مسلماً این کیفرخواست تنظیم نمیشد(۱)»

یعنی بعبارت دیگر عنان دادستان در دست مبشری بوده است !!

آقای نهاوندی وکیل مدافع دیگر آقای تدین راجع باتنخابات بلوچستان

لیز چنین دفاع کرد:



تدین با
دو وکیل
مدافع
نهاوندی
و
اوپسی

« اوضاع امروزی بلوچستان و نفوذی را که «عیدی ریگی» پدر «مراد ریگی» در

آن صفحات داشته... چنانچه رویه غیر از روش آقای تدین در مورد بلوچستان اتخاذ میشد پیش آمده‌های روی میداد - در خصوص فرخ زاد نیز چنانچه علی برخلاف قانون صورت گرفته باید مباشر را تعقیب کرد بعلاوه عامل این عمل (مقصود تبعید فرخ زاد است) وزارت جنگ بوده نه وزارت کشور بخصوص که آقای تدین هنگامیکه در وزارت کشور مشغول کار بودند انتصابات بلوچستان پایان نیافت و مرادریگی بعد از رفتن آقای تدین از بلوچستان انتخاب شده است. (۱)



معلوم نیست اگر آقای تدین در انتخابات بلوچستان مداخله نمیکرد و فقط مقررات قانون انتخابات را بکار میبست و تلگراف نهید آمیز: « سعی کنید منظور فوق عملی گردد و الا موجب زحمت خواهد بود » مندرج در ادعای نامه دادستان که مشمول ماده ۹۲ قانون مجازات عمومی است و نیز تلگراف شماره ۱۲۶۴

مندرج در ادعای نامه: « منظور از حکم ۱۳۸۴ انتخاب مرادریگی نماینده سابق است انتظار دارد بانهایت صناعت انجام دهید » و با اینکه در تعقیب نامه شماره ۲۶۱۷ مورخ ۲۲ آذر ۱۳۲۲ وزارت جنگ حکم تبعید فرخ زاد (مشمول ماده ۸۳ قانون مجازات عمومی) را صادر نمیکرد چه واقع میشد!

در مقابل تمام این دلایل اکثریت قریب باتفاق قضات با انشاء بکشطربدینقرار: « از تلگرافات متنب به متهم مضبوط در پرونده امر باعمال خود که محقق اعلام جرم و موضوع مواد مورد استناد باشد استفاده نمیشود » خط نسخ روی تمام دلایل کشید و متهم را پاک و پاکیزه از دیوان کشور خارج کرد!! اکنون عین حکم در اینجا درج میشود تا هموطنان عزیز بدانند که در آن دیوان کسانی هستند که تابع ایمان خود بوده و از هیچ سیاستی تبعیت ننموده اند.

رای دیوان عالی کشور در مورد تدین

تاریخ ۶ خرداد ماه ۱۳۳۶

اتهامات منتسبه بآقای تدین که از طرف مجلس شورای ملی بدیوان کشور ارجاع شده امور ذیل است:

اول - دخالت در انتخابات بندرعباس

دوم - دخالت در انتخابات بلوچستان

سوم - دستور عقده پیمان با بزرگ ابراهیمی راجع بضریداری سه هزار تن غله در آذربایجان و مبادله آن با نقد و شکر که از طرف دادستان کل دیوان کشور در مورد انتصابات باستناد مواد ۴۴ قانون انتصابات و ماده ۹۲ و ۲۹ و ۸۳ و ماده الحاقیه ۲۸ قانون مجازات عمومی و ماده ۳ قانون اعمال نفوذ در مورد دستور عقده پیمان با بزرگ ابراهیمی راجع بمعامله غله باستناد مواد ۱۵۲ و ۱۵۳ قانون مجازات عمومی و ماده ۳۹ قانون محاسبات عمومی با رعایت ماده ۲۸ قانون مجازات تقاضای تعیین مجازات گردیده است.

راجع باتتخابات بندرعباس و بلوچستان از تلگرافات منتسب بشهم مضبوط در پرونده امر اعمال نفوذ که محقق عنوان جرم و موضوع مواد مورد استناد باشد استفاده نمیشود. بنا بر این از جهات فوق الذکر متهم مزبور با اکثریت مبری است.

راجع به تهیه فرخ زاد چون این عمل خود عنوان جرم مستقل و رسیدگی بآن از طرف مجلس شورای ملی بدیوان کشور ارجاع شده و مطابق مستفاد از ماده ۵ و ۶ قانون محاکمه وزراء رسیدگی منحصرأ مقصور بپوردارجاع است این امر سایر اموری که ارجاع نشده از موضوع رسیدگی خارج و ماده يك الحاقیه باصول محاکمات جزائی در این مورد که تابع مقررات خاصی است لازم الرااهه نباشد.

نسبت بدستور عقده پیمان با بزرگ ابراهیمی با مراجعه به تحقیقات اولیه و تحقیقاتی که پس از ارجاع امر بدیوان کشور بعمل آمده و توجه بدلائل مورد استناد طرفین بهیچوجه ارتکاب عملی از طرف آقای تدین که مشمول ماده ۱۵۳ قانون مجازات عمومی باشد در این مورد استفاده و استنباط نیگردد و باسنادی که متهم در موقع دستور عقده پیمان داشته است (وزارت خواربار) عمل انتسابی تصرف غیر قانونی منظور در ماده ۱۵۲ قانون مجازات عمومی نیز نخواهد بود و عدم رعایت ماده ۳۹ قانون محاسبات عمومی و امورد دیگری هم که برای اثبات سوء نیت مورد استناد واقع شده سوء نیت او را محرز نمیشاید بنابراین از کلیه جرائم منتسبه با اکثریت آراء تبرئه میشود.

آرای قضات مخالف در محاکمه تدین

البته این حکم بانفاق آراء تمام اعضای دیوان کشور که اسامی آنها قبلاً از نظر خوانندگان گذشت صادر شده و عده ای از قضات محترم با آن مخالف و هسر يك از آنها نسبت بتمام موارد اتهام یا بعضی از آنها متهم را مستحق مجازات دانسته اند که روزنامه «قیام ایران» تحت عنوان: «سید محمد تدین چگونه تبرئه شد...» روزنامه های آذربایجان در سرمقاله خود نوشتند با تبرئه تدین ملت ایران هیچگونه امیدی بیهیت حاکمه ندارد» آراء قضات مخالف را در شماره های خود منتشر نموده از آن جمله «رای آقای مهدی شریعت زاده مستشار دیوان عالی کشور» است که از شماره ۱۹۰ مورخ دوازدهم مرداد ۱۳۲۶ صفحه ۳ ستون پنجم نقل میشود:

رای آقای مهدی شریعت زاده

«دعوی دادستان دو قسمت است: قسمت اول دخالت در انتخابات در ۲ حوزه انتخابیه و قسمت دوم عقد قرارداد با بزرگ ابراهیمی دائر بر خرید سه هزار تن

غله بشرحی که در کیفرخواست ذکر شده. راجع به دخالت در انتخابات نظر باینکه دخالت متهم در انتخابات و امر باینکه (مصباح زاده مقدم است و عمل شما غیر محسوس و محرمانه باشد) و در دائره استتلاق علت اقدام خود را زور و فشار ذکر می نماید و اینکه میگوید (عملی کنید که مراد ریگی انتصاب شود والا موجب زحمت خواهد شد) و نیز تلگراف می نماید (دستوری که داده ام باید اجرا شود) دخالت در انتخابات بشمار میرود و تبیین هم که نموده است مخالف مفاد متبادری عبارت هائی است که ذکر گردید و قابل قبول نباشد دخالت متهم معزز و از جهت اینکه افراد ملت را از حقوقی که قانون اساسی بآنها داده محروم نموده بزه متهم مشمول ماده ۸۳ قانون مجازات و بنظر اینجانب مدت ده سال از حقوق اجتماعی محروم است و از جهت اینکه قنوت رسمی خود را اعمال نموده مشمول ماده ۱۲۹ قانون مجازات و بنظر اینجانب از خدمت دولت منفصل است و از جهت تهدید فرماندار جرم مشارالیه مشمول ذیل ماده ۹۲ قانون مجازات عمومی و از جهت دخالت دادن نفوذ مقامات دیگر در تصمیمات اداری مشمول ماده ۳ قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی مصوب ۲۹ آذر ۳۶۵ می باشد و اما در قسمت انعقاد قرار داد با بزرگ ابراهیمی بشرح ذیل اظهار عقیده میشود:

از محتویات پرونده کاملا مستفاد میشود که قحطی غله در تبریز صوری و بدون حقیقت بوده و پاره از ادله آن شرح داده میشود:

۱ - شهادت شهرد

۲ - بودن مقداری خواربار در سیلو و عدم ورود آن بدفتر سیلو

۳ - نانوایان بدون اینکه گندمی را از دولت بگیرند مدتی مصارف شهر را اداره و

در مقابل «پول» از بزرگ ابراهیمی گرفته اند نه گندم

۴ - مسلم بودن اینکه دولت در اطراف دارای غله است

و فقط وسایل نقلیه برای حمل آن موجود نیست پس با احراز این امر فقط باید دولت وسیله حمل و نقل تهیه بنماید و انعقاد قرارداد ایجاد خواربار نپسندید و با فرض وجود خواربار دولت بایستی بوسیله مأمورین بقیمت حمل بخرد و حمل بتبریز بنماید نه اینکه انعقاد قرارداد بنماید و چون با محقق بودن وجود خواربار و انحصار احتیاج بایجاد وسایل حمل و نقل که هر دو قسمت مورد اعتراف متهم است و متهم از اقدام هر دو مانع (از فقدان وسایل حمل و نقل) منصرف و اقدام بانعقاد قرارداد نموده و در انعقاد قرارداد بطور اکمل منافع پیمانکار را ملحوظ کرده و محل تسلیم غله را علاوه بر تبریز در شهر هائی قرار داده که در آنها مضیقه خوارباری وجود نداشته و خود متهم نیز اعتراف می نماید که اشخاصی از سادگی و حسن نیت او استفاده نموده اند و او در انعقاد قرار داد بیخبر بوده که در حقیقت اعتراف بعبث در انعقاد قرار داد و کیفیت آن نموده است.

لذا از جهت تصرف غیر قانونی در قند و شکر جرم متهم مشمول ماده ۱۵۲ قانون



آقای مهدی شریعت زاده
مستشار دیوان تبریز

مجازات عمومی و از جهت تسهیل در امر خرید و منظور نفع برای دیگری مشمول ماده ۱۵۲ قانون مجازات عمومی است.

رأی آقای شهیدزاده دادرس

« بر طبق مندرجات شماره ۱۹۱ قیام ایران مورخ سیزدهم مرداد ۱۳۶۵ صفحه اول آقای شهید-

زاده مستشار محترم دیوان کشور در باره پرونده تدبیر چنین رأی داده است:



آقای شهیدزاده دادرس
مستشار دیوان تبریز

« نسبت با اتهام تدبیر و زور سابق خوار بار و کشور بدخالت غیر قانونی و بر خلاف وظیفه در انتصابات بندر عباس و بلوچستان نظر باده موجوده در پرونده عمل و تلگرافات مشروطه بامضاء آقای تدبیر یفرماندار بندر عباس و بلوچستان بعقیده این جانب مجرم و جرم ارتكابی بامواد مورد استناد دادستان کل منطبق است و بر طبق آن مواد مشارالیه را مستحق مجازات میدانم و نسبت با اتهام مشارالیه بتصرف غیر قانونی در اموال دولتی (قند و شکر) و دستور بستن پیمان بر خلاف مصالح دولت بفتح بزرگ ابراهیمی و دادن قند و شکر و وجه تقدیمی بانک نظر باده موجوده در پرونده عمل و اقرار صریح وی نزد باز پرس باینکه دیگران از حسن نیت و سادگی او سوء استفاده کرده اند و موافقت نامه مشارالیه بنا پیشنهاد تقدیمی بزرگ ابراهیمی بعلاوه شائزده تن قند و شکر بطور

مساعده بیبانکار راجع پیمان گذشته و جو و اینکه تسلیم در اردبیل و مراغه هم جزء پیمان قید شده در صورتی که تبریز احتیاج بخوار بار داشته و مسافرت ایشان برای تامین خوار بار بوده و تسلیم قسمت اعظم از گندم و جو مورد پیمان در اردبیل و مراغه بوده و هیچگونه فایده برای تبریز نداشته جرم تدبیر منطبق بامواد ۱۵۲ و ۱۵۳ مورد استناد دادستان میباشد و مشارالیه را طبق مواد مزبور مستحق مجازات میدانم و نسبت بموضوع تبعد فرخزاد چون از طرف مجلس احاله نشده با اکثریت در این موضوع موافقم و قابل طرح نمیدانم. و محل امضاء »

رأی آقای جهانشاهی رئیس دیوان کشور

« راجع بدستور انعقاد قرارداد برای معامله در آذربایجان بنظر این جانب از مجموع دلایل و شواهد استادی آقای دادستان کل که نسبت بقسمت اکثر آن دفاع مؤثری از طرف منم نشده بعلاوه قرائن دیگری در پرونده مؤید آن است و با توجه باینکه اختیارات مذکور از ماده واحده خرداد

سال ۳۲۱ مخصوص هیئت دولت است نه هر يك از وزراء عمل تدبیر از جهت دستور انعقاد قرارداد موافق ماده مزبور بزه محسوب و منطبق با ماده ۱۵۳ و ۲۸ قانون مجازات عمومی میباشد و همچنین عمل مشارالیه از جهت تهدید فرماندار زاهدان برای انتخاب شدن ریگی از بلوچستان مطابق قسمت اخیر ماده ۹۲ ماده مزبور بزه شناخته میشود با رعایت تخفیف کیفر از لحاظ شدت آنکه در ادوار مختلفه بکشور نموده و در بقیه اتهامات بالنسبه با رأی اکثریت موافقت دارم. و محل امضاء »

« راجع به انتخابات بلوچستان با ملاحظه تلگرافاتیکه بین فرماندار زاهدان و آقای تدین مبادله شده به عقیده این جانبان تهدید در انتخابات محرز و آن مشمول قسمت اخیر ماده ۹۲ قانون مجازات عمومی

رای آقایان: نقوی، دکتر خوشبین و اعتماد مقدم

است و متهم را از این جهت طبق ماده نامبرده قابل مجازات میدانیم و نسبت به سایر اتهامات با رأی اکثریت مبنی بر برائت تدین موافق میباشیم - محل امضاء >

در شماره ۱۹۲ روزنامه قیام ایران صفحه اول متن رأی مخالف آقایان دکتر قاضی و اسمعیل ساهنی بدین عبارت نقل شده است :

رای آقای دکتر قاضی و آقای اسمعیل ساهنی

« این جانبان معتمدین را در حدود مواد ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۹۲ قانون مجازات عمومی و ماده ۴۴ قانون انتخابات بانوجه بماده ۲ الحاقیه باصول محاکمات جزائی در مورد انتخابات زاهدان از نظر تهدید و در مورد انعقاد قرارداد غله قندوشکر در تبریز از نظر تصرف غیر- قانونی و تدلس و تحصیل نفع برای دیگری در خرید و فروش مجرم دانسته و مستوجب مجازات میدانیم . محل امضاء >



آقای اعتماد مقدم
مستشار دیوان تعزیر



آقای اسمعیل ساهنی
مستشار دیوان تعزیر



آقای دکتر جواد قاضی
مستشار دیوان تعزیر

این سه مستشار دیوان کشور نیز با برائت تدین مخالف بوده اند

« در مورد تصرف غیرقانونی تدین در قند و شکر و تحصیل منفعت برای خود در معامله خواربار آذربایجان با رأی اکثریت مخالف و قضیه را قابل طرح تشخیص میدهم محل امضاء >

رای آقای حشمت الله فضالی

« قیام ایران » در شماره ۱۹۳ مینویسد: « سوی آقایان نامبرده بعضی قضات

رای آقایان: دکتر قاضی، سامی، فضالی،
دیگر نیز در بعضی موارد با رأی اکثریت موافق و در بعضی موارد دیگر تدبیر را
مبصر دانسته اند.



از راست بچپ: آقایان جهانشاهی - قناری - قوی - دکتر خوشبین مستشاران دیوان کشور
که با لیره تدبیر مخالف بوده اند

رسیدگی بانها مات آقای هلی سهیلی

از تاریخ اسفند ۱۳۲۴ که پرونده اتهام آقای هلی سهیلی را مجلس بدیوان کشور
ارجاع نمود قریب دو سال گذشت و در خلال این مدت آنهاییکه علاقه بامور اجتماعی
داشتند میگفتند چرا دادستان ادعا نامه خود را بدیوان کشور نمیدهد و چه پیش آمده
است که دیوان کشور در این امر مهم اقدام نمیکند، این پرونده که احتیاج نداشت ساز-
و سازی برای تحقیق بخارج بروند پس برای تعویق محاکمه عللی هست که مردم از آنها
بی خبرند و همچنین شهرت داشت که چون آقای قوام السلطنه میدانند سهیلی محکوم
نمیشود و بعضی اینکه برائت حاصل نمود عده از نمایندگان را دور خود جمع میکنند
و با نخست وزیر رقابت مینمایند باین جهت پرونده بلا تکلیف مانده است و این حدس
بنظر صحیح میآید چونکه قوام السلطنه مصدر کار بود پرونده در جریان بقتاد و ادرسی
در ۲۶ بهمن ماه شروع شد و در اسفند ماه ۱۳۲۶ خاتمه یافت.

برای اینکه مردم بتوانند قضاوت کنند و در دادگاه غوغائی بر پا نمایند دوستان سهیلی از کار تدبیر نچریه آموختند و متن ادعای نامه دادستان در روزنامه

نظریات دادستان کل راجع به اتهامات سهیلی

ها منتشر شد لذا آنچه روزنامه «اطلاعات» در شماره ۶۷ و ۶۵ مورخ ۲۶ بهمن ماه مینویسد عیناً نقل مینمائیم:

«امروز صبح ساعت یازده دیوان عالی کشور متشکل از ۳۲ نفر هیئت عمومی دادستان دیوان کشور در سالن دادگاه عالی جنایی تشکیل گردید رئیس دادگاه خطاب با آقای سهیلی نموده و مشخصات مشارالیه را پرسیدند سپس دادستان کل کشور ادعا نامه خود را قرائت و ببارد اتهام اشاره نموده و گفتند اتهامات مورد ارجاع شرح زیر است:

- (۱) - خرید قسمی ابزار و اشیاء و مصالح ساختمان از انبار وزارت امور خارجه بدون رعایت مقررات.
- (۲) - اعمال نفوذ و مداخلات در انتخابات آذربایجان.

(باید دانست که نسبت باین دو قسمت کمیسیون دادگستری مجلس آقای سهیلی را قابل تعقیب دانسته بود)

(۳) - دخالت در امر انتخابات بندرعباس و شهرضا.

(۴) - توقیف جرایم.

(۵) - تفسیر قانون حکومت نظامی.

(۶) - قیام بر علیه حکومت ملی.

سپس دلایل اتهامات نامبرده و تطبیق آنها با مواد قانون مجازات قرائت و تقاضای صدور حکم و تعیین کیفر در حدود قانون را نمود.

مابنا بهمان منطقی که در مورد کار آقای تدبیر اظهار نمودیم در اینجا هم فقط آن قسمت از اتهامات سهیلی را که مربوط بدخالت در انتخابات است مورد بحث قرار میدهیم و از بحث در سایر اتهامات برای احتراز از فرونی مطلب خود داری مینمائیم:

ما اینک برای روشن شدن قضیه ۱۱ فقره تلگراف رمز سوال و جوابی که دلیل دخالتهای منیم در کار انتخابات است از نطقهای آقای دکتر مصدق که در صفحات قبل این قسمت از نظر خوانندگان گذشت استخراج مینمائیم و آنها را یکمتر به زیر نظر خوانندگان قرار میدهیم تا بهتر بتوانند در مطلب وارد شوند و در موضوع قضاوت نمایند. البته پس از ملاحظه خوانندگان از خود سوال میکنند صدور این تلگرافات که هیچ مربوط بوظایف وزراء و مأمورین انتخابات نیست برای چه مقصودی بوده است زیرا دولت موظف است جریان انتخابات را طوری ترتیب دهد و

منظم کند که رأی دهندگان با نهایت آزادی بتوانند آراء طبیعی خود را وارد صندوق نمایند و بعد هم در آراء مأخوذه هیچگونه تصرفی نشود و یکی نیست از دیوان کشور بپرسد اگر مقصود تلگراف کننده تهدید و اعمال نفوذ نبوده پس صدور این تلگرافات از چه نظر بوده است !!

اکنون عین تلگرافات :

- (۱) - تلگراف به فرماندار بندرعباس : « دکتر مصباح زاده را فراموش نکنید دستور انتخابات میرسد » (مشمول ماده ۸۳ و ۱۲۹ قانون مجازات عمومی)
- (۲) - تلگراف فرماندار بندرعباس به نخست وزیر بمفاد اینکه : « ۱۵۵۷ اطاعت میشود » (مشمول ماده ۳ قانون مجازات اعمال نفوذ)
- (۳) - تلگراف فرماندار شهرضا بنخست وزیر : « انتخابات شروع نشده بود که کاندیدی شکایت داشته باشد بدیهی است او امر مبارک کاملاً اجرا خواهد شد » (مشمول ماده ۳ قانون مجازات اعمال نفوذ)
- (۴) - تلگراف فرماندار شهرضا بنخست وزیر بمفاد اینکه : « شیروانی بواسطه مخالفت خسرو قشقائی و صادم الدوله در اقلیت است و دکتر کیان بهمین جهت زمینه مناسب دارد چنانچه بنده بیطرف بمانم موفقیت با ایشان خواهد بود و اگر شخص ثالثی انتخاب شود بهتر است » (مشمول ماده ۸۳ و ۱۲۹ قانون مجازات عمومی)
- (۵) - تلگراف نخست وزیر بفرماندار بمفاد اینکه : « نظر همان است که حضوراً مذاکره شد اهتمام نمائید همانطور عمل شود ممکن است انتخابات چند روز بتعویق افتد » (مشمول ماده ۱۲۹ قانون مجازات عمومی).
- (۶) - تلگراف فرماندار شهرضا بنخست وزیر دایر بر اینکه : « تشکیل انجمن بتعویق افتاد ولی صادم الدوله و قشقائی ، شیروانی را در اقلیت گذاشته و چون «لنجان» از حیث سیاست محلی تحت نظر صادم الدوله است اگر نتیجه برخلاف انتظاری پیش آمد - نماید فدوی را مقصر ندانید » .
- (۷) - تلگراف وزارت کشور بفرماندار دایر بر اینکه : « شما منتظر خدمت میشوید » (مشمول ماده ۸۳ و ۱۲۹ قانون مزبور)

۸- تلگراف سهیلی بعضدی نماینده مخصوص وزارت کشور: «بطوریکه در روز قبل تلگراف کردم گنجه حتماً باید در صورت باشد و باید ترکیبی داده شود که قضیه مسلم باشد شماره ۱۹۶۹ سهیلی نخست وزیر» (مشمول ماده ۱۲۹ همان قانون)

۹- تلگراف عضدی سهیلی: «۱۹۶۹ آقای گنجه در صورت هستند هذا کرائی هم بعمل آمده، در گزارش بعدی بعرض خواهد رسید ۶۸- عضدی ۱۱/۱۲/۳۲۲» (مشمول ماده ۳ قانون مجازات اعمان نفوذ)

۱۰- تلگراف سهیلی به عضدی: «آقای عضدی ما امور انتخابات - بطوریکه اطلاع دارید انتخابات کتر قاسم اهری از اهر مقتضی نیست، دکتر نصر مدیر کل وزارت کشور اظهار میدارد وسایلی برای انتخاب خود در آنجا دارد در صورت داشتن زمینه انتخابات آنجا را شروع و خاتمه دهید والا نتیجه تلگراف نمائید ۱۷۴۹ سهیلی نخست وزیر» (مشمول ماده ۱۲۹ قانون مجازات عمومی)

۱۱- «آقای عضدی نماینده مخصوص وزارت کشور این جانب به گنجه کاملاً علاقمند البته میل دارم آقای میقانی هم انتخاب شوند، این قضیه را هر طور میدانید عملی فرمائید که قضیه حل شود و فوریت صورت اساسی را که با آنها موافقت شده است یکبار دیگر تلگراف نمائید که سوء تفاهمی رخ ندهد ۱۹۵۴- نخست وزیر سهیلی» (مشمول ماده ۱۲۹ قانون مجازات عمومی)

در مورد انتخابات آذربایجان بیانات دادستان

بیانات دادستان در دادگاه

کسل اظهار داشتند: «دستورهای آقای سهیلی

در امر انتخابات آذربایجان دو جنبه داشته یکی مثبت و دیگری منفی - آقای سهیلی در دستور مثبت خود که اظهار تمایل بدو نفر نمودند میتوانند بگویند نظر شخصی بوده ولی در دستور منفی خود که مخصوصاً نسبت بدکتر قاسم اهری سلب حق یک نفر را از انتخاب شدن نموده اند، اگرچه این امر مبنی بر نظریات شخصی نبوده مواز لحاظ سیاست وقت بوده است ولی نمیتوان قضایای سیاسی را قانوناً و از لحاظ اصول قضائی یک عنبر موجه دانست؛ انتخاب شدن یک حق عمومی است و هر کس واجد شرایط آن شد این حق در قانون اساسی برای او منظور شده سلب این حق بدون مجوز قانونی قانوناً جرم شناخته شده و مرتکب مطابق مواد ۸۳ و ۱۲۹ قانون مجازات عمومی مورد تعقیب میباشد(۱)»

۱- نقل از روزنامه اطلاعات شماره ۶۵۶۸ مورخ ۲۷ بهمن ماه ۱۳۲۶

صفحه آخر

این بیانات هم مثل اظهارات سابق ایشان در محاکمه نالدین در جامعه بسیار سوء اثر نمود زیرا نخست وزیر عقاید شخصی خود را تمهیباً بوسیله تلگراف رمز بمأمور انتخابات اظهار کند، عقاید شخصی را میبایست در مجالس علنی گفت و باعث تشویق نیکوکاران گردید و یا در ورقه رأی نوشت و آنرا در صندوق آراء اداخت، هیچ تهدیدی از این تلگراف: «شما منتظر خدمت میشوید» بالا نریست و همچنین «گنجینه» حتماً باید در صورت باشد و باید ترتیبی داده شود که این قضیه مسلم باشد، اظهار عقیده شخصی نیست و امری است واجب الاجرا که از مافوق بمادون خود صادر شده و از حدود اعمال نفوذ و تهدید هم تجاوز کرده است چه خوب بود آقای دادستان اظهاراتی که در جلسه اول اسفند نموده در همین جلسه میکرد و خود را دچار مشکلات جنبه منفی و مثبت نمیشودند چه در جلسه اول اسفند دادستان «حسن نیت» و «بیفرضی» آقای سهیلی را تصدیق نموده بنا بر این یکی از عناصر تشکیل دهنده جرم که «سوء نیت» باشد از بین رفت و در حقیقت ادعای نامه خود را یکجا پس گرفت !!

کتاب: **نیکوکاران اخلاق**

اکنون بیانات ایشان در جلسه اول اسفند:

روزنامه «اطلاعات» در شماره ۶۵۷۱ بیانات آقای هیئت دادستان را در جلسه اول چنین ذکر مینماید:

بیانات آقای دادستان در جلسه اول محاکمه سهیلی

«آقایان و کلاه مدافع بیشتر در اطراف حسن نیت و بیفرضی آقای سهیلی سخن گفتند و اقدامات ایشان را عطف بمقتضیات سیاست وقت نمودند. من در بیان عقیده خودم و همچنین در ادعای نامه نسبت سوء نیت و غرض شخصی بتهتم نهادم ولی عقیده دارم که وزراء بهیچوجه نباید درباره انتخاب اشخاص و لویا حسن نیت هم باشد اقدامی بنمایند زیرا مایب و مفاسد دخالت دولت بیشتر از مصالحش میباشد. متأسفانه قوانین کافی برای تأمین این منظور نیست و امامداران میتوانند گاهی بعنوان حزبی که خودشان درست میکنند و گاهی بعنوان توصیه در حریم انتخابات وارد شده و مقصود خودشان را با نفوذ و تأثیر مقام دولتی که دارند علی کنند و چون در ظاهر اثری از تهدید و تطبیح نیست گرفتار مجازات نمیشوند و از این جهت است که نسبت به توصیه های مثبت آقای سهیلی بنده نتوانستم راه تغییری بدست بیاورم ولی در دستور منعی ایشان نسبت به کتر اهری معق است که دستور نخست وزیر ولو بعبارت مقتضی نیست کافی بوده که کتر اهری را از حق که قانون اساسی بلو داده محروم داشته است و اینچاست که ماده ۸۳ قانون مجازات عمومی مصداق پیدا کرده است.»

چون بعد از نطق دادستان موضوع جرم از بین رفته بود آقای سهیلی هم نتوانست (یعنی دلایلی نداشت) که در مقابل این تلکرافات از خود دفاع کند...
از اظهارات متهم مافقط آن قسمتی که مؤثر است از روزنامه اطلاعات شماره ۶۵۴۷ مورخ

قسمت مؤثر از دفاع سهیلی



آقای سهیلی در دادگاه از دادستان گل
لنکر میفرماید!

چهارم اسفند ماه ۱۳۲۶ نقل مینمائیم :
« من از جناب آقای دادستان که در معضرت دیوان عالی در ضمن بیان دعوی بیطرفانه فرمودند مداخله در انتصابات امر، مبنی بر نظریات شخصی من نبوده و ناشی از سیاست وقت بوده است تشکر میکنم - ولی در این قسمت که فرمودند عندر سیاسی را نمیتوان قانوناً عندر موجه دانست هم عقیده نیستیم بر فرض محال که عمل با ماده از مواد قانون کیفر عمومی تطبیق نماید تازه مورد اتهام جرم نیست برای آنکه یکی از عناصر تشکیل دهنده جرم که « سوء نیت باشد بر طبق اقرار صریح آقای دادستان محترم منافی بوده و دلایل خلاف آن که حسن نیت و انجام وظیفه باشد موجود است... »
دفاع و کلامی مدافع سهیلی

آقای سهیلی برای دفاع از اتهامات منتسبه دوتقر و کیل معین کرده بود یکی آقای دکتر هدایتی معاون دانشکده حقوقی و دیگری آقای جدلی، اینک مؤثر ترین قسمت مدافعات هر یک از نامبردگان در اینجا نقل میشود :

اظهارات آقای جدلی

« پس از پایان بیانات آقای دادستان آقای جدلی شروع بصحبت نموده و اظهار داشت (۱) :
« خیلی از آقای هیئت خوشوقتم که در ضمن بیانات خودشان صریحاً صحت عرایض من و حقانیت موکلم را تصدیق نمودند و تأیید کردند که آقای سهیلی سوء نیت نداشته است .

برای آقای سهیلی همین کافی است - در قوانین جزائی ما و قوانین خارجی دسوء نیت از ارکان و عناصر وجود جرم بشمار میآید مگر در موارد خاص که انسان مثلاً مرتکب یک قتل غیر عمدی میشود - اینکه آقای دادستان فرمودند وزراء نباید در حریم انتصابات قرار گیرند بنده در جواب ایشان عرض میکنم وقتی که فرمان انتصابات از طرف اعلیحضرت شاه

صادر میشود و دولت و وزارت کشور را مأمور اجرا میفرماید دولت چگونه برای انجام این امر میتواند در حریم انتخابات واقع نشود؛ بلکه فرمودند قوانین ماکافی نیست بندهم همین نظر را دارم ولی این قوانین موجود است چه میشود کرد؟! وقتی که قوانین اصلاح شد آنوقت باید روی آن قوانین صحبت کرد و فعلا مادام که يك عمل خلاف قانون از کسی سرزند بنفیده بنده نباید کسی را مورد تعقیب قرار داد.

آقای هیئت در مورد انتخابات آذربایجان با اینکه تصدیق میکنند عمل آقای سهیلی بر طبق مصالح سیاسی وقت بوده باز معتقدند که این عفرها موجه نیست. آقای دادستان دستی از دور بر آتش دارند در آن موقع آشفته که قشون یگانه کشور را اشغال کرده و مقدرات ایران بیوٹی بسته است و از خود شما دو سال سلب آزادی کردند آیا میشود با مقدرات مردم هم بازی کرد و غیر از مصالح سیاسی آنوقت اقدام دیگری نمود؟! .

آقای دکتر هدایتی وکیل مدافع دیگر متهم بیانات

ذیل را نمود (۱) :

« قبل از اینکه در جزئیات دفاع خود وارد شوم يك

دفاع آقای دکتر هدایتی
استاد دانشگاه

دفاع کلی از آقای سهیلی مینمایم و آن اینست که :

آقای سهیلی از يك خانواده متوسط ایرانی خارج شده و از کوچکترین مشاغل دولتی که اندیکاتور نویسی است شروع بنخدمت نموده تا عالی ترین مقامات اداری و سیاسی این مملکت پیشرفته و بمقام نخست وزیری رسیده است این عمل یعنی داخل شدن در جرگه اشخاصی که پانصد سال است برای این کشور حکومت میکنند و طبقه اشراف و اعیان این کشور را تشکیل میدهند يك گناه بزرگ غیر قابل عفو بشمار میرود !! .

بعقیده آنها باید سهیلی را مجازات کرد و او را از جرگه خود دور نمود و ضمناً يك درس عبرتی بطبقه متوسط این مملکت داد تا اشخاص دیگر گردد این قبیل معاصی کبیره ! نگرددند . آقایان تاروش حکومت ما بر این طریق میرود من همیشه از سهیلی و از سهیلی ها دفاع میکنم .



آقای دکتر هدایتی وکیل مدافع
سهیلی و استاد دانشگاه



ما تصور میکنیم که صحبت از اختلافات طبقاتی در اینجا موردی نداشت همانقدر که افکار عمومی با عملیات تدبیر و سهیلی مخالف است با عملیات و توق الدوله و قوام السلطنه که بنا بر اظهارات ناطق از خانواده های پانصد ساله هستند مخالف است چه انتظار مردم این بود قوام السلطنه که از ~~مجلس~~ تبعید شدگان و دوره دیکتاتوری بشمار میرود و پس از ورود بکشور هم سالها بیدکار و گوشه نشین بود تا بعد از

سقوط آن رژیم زمامدار شد، در دفاعه دوم زمامداری خود که تصادف با دوره فترت نمود و نمیتوانست بگوید مجلس شورای ملی مانع است و کاریشرفت نمیکند در حفظ مصالح عمومی بکوشد و ملت ایران را از این وضعیت ناهنجار و ناگوار خلاص کند، قدم‌های بلندی برای تعالی و ترقی میهن بردارد، بقانون احترام و مرحم روی جراحات مردم بگذارد و نام خود را در دفتر رجال تاریخی به ثبت رساند، نه اینکه باسن زیاد و مکنث سرشار و بیک طفل منحصر بفرد جنبه معنوی اعمال را از نظر دور کند و توجه خود را صرفاً بجنبه های مادی اعمال معطوف نماید در منافع شخصی هر قانون حتی قانون اساسی را پایمال نموده و فساد اخلاق را طوری رواج دهد که خود او هم دچار ادعا نامرسمی دولت بشود و برائت خود را از دست های نا پاکي مسئلت نماید!!

معروف است که در موقع داد رسی بکار تدین یکی از دادرسان بدادرین دیگری گفته بود که «بعد از عملیات تنگین قوام آیا میشود تدین را محکوم کرد!!» مستمع جواب داده بود: «اگر دلیل شما برای تبرئه تدین همین است و شما باین دلیل رأی به برائت او میدهید منم با شما موافقت مینمایم» - بهر حال علی رغم ادعای آقای دکتر هدایتی مخالفت مردم با سهیلی از این جهت نیست که چرا از طبقه ندار یکی دارا شده و یا اینکه ثبات بوده بمقام نخست وزیر ارتقاء یافته است بلکه مردم از کسانی که دارای مقامی شده اند همان انتظاراتی را دارند که در مورد قوام السلطنه شرح داده شد و انتظار مردم نه از قوام السلطنه و سهیلی و تدین اینها بود بلکه از طبقه جوان و تحصیل کرده روشنفکر مملکت بیش از اینهاست و کسی منتظر نبود که یکی از جوانان تحصیل کرده و استاد دانشگاه انتخاب آقای اعتماد التولیه یکی از خویشان خود را از شهری بوکالت مجلس دلیل آزادی انتخابات کشور قرار داده و یا بیاناتیکه در دادگاه نمود بخواند غاصبین حقوق ملی را از کیفر خلاص کند و قوانین کیفری را حلقه و بازبچه دست های ناپاک قرار دهد!!

اینک متن بیانات دیگر همین استاد (۱)

«من خودم در انتخابات شهری وارد بودم و میخواهم از آن دفاع کنم ولی ناچارم بگویم در تمام ادوار تقنینیه ایران انتخابات دوره ۱۴ آزاد ترین ادوار انتخاباتی ایران بود.

من خودم در انتخابات شهری وارد بودم در دوره چهارده آنجا دو کاندید داشت یکی آقای رهنا و دیگری اعتماد التولیه و با اینکه آقای رهنا دوست آقای سهیلی بودند^(۱) و سهیلی میتواند با يك اشاره او را وکیل کند ولی سهیلی نکرد و آقای رهنا با تمام سابق فضائلی که داشتند شکست خوردند و در نتیجه آقای اعتماد التولیه وکیل شد. آیا همین يك دلیل کافی بر آزادی انتخابات دوره ۱۴ نیست ؟



و اما اینکه آقای دکتر هدایتی در همین جلسه محاکمه اظهار میکنند^(۲) :

« راجع به انتخابات اهرود کتر قاسم اهری باید در نظر داشت که ایشان در دوره ۱۳ هنگامی که قرارداد متفقین در مجلس میخواست تصویب برسد مخالفت کرد و بعد هم استعفاء داد و با يك عده از مجلس خارج شد این عمل انمکس بندی در محافل متفقین نمود و دولت وقت را در زحمت انداخت البته دولتی که در يك ملکیت وسیع پراز قرو و بیچارگی و با وجود سه ارتش یگان میخواست امنیت را حفظ کند این عمل آقای دکتر اهری برای اغلال امور بهانه جوئی بدست متفقین میداد این بود که در دوره ۱۴ ایشان دستور میدهند انتخابات اهری صلاح نیست .»

مطالبی برخلاف وجدان و حق گفتند زیرا همه میدانند و مکرر در مکرر چه در مطبوعات و چه در مجلس نوشته و گفته شده است که يك رشته بدبختی هائیکه دامنگیر ملت ایران شد نتیجه همان ورود قوای متفقین و پیمان سه گانه است که ما نظریات خود را در قسمت : « چند سؤال در روزهای آخر دوره ۱۴ »^(۳) و در اغلب صفحات دیگر این کتاب اظهار کرده ایم و در اینجا میآید است آنها را تکرار کنیم بنا بر این از آقایان دکتر اهری و دکتر جوان که از روی عقیده و ایمان با پیمان مخالفت کرده اند باید سپاسگزاری و قدردانی نمود نه اینکه آقای دکتر اهری را از انتخاب در محل خود محروم کرد و اینکه آقای استاد دانشگاه گفته : « این عمل دکتر اهری برای اغلال امور بهانه جوئی بدست متفقین میداد » با بیانات آن استاد در همین جلسه که اظهار نموده : « دولت در تبریز کوچکترین نفوذی نداشت اگر يك مأمور میفرستاد چند جا او را تفتیش میکردند » مابینت دارد ، اگر دولت نفوذ نداشت چرا بمأمور انتخابات این تلگراف را نمود؟! و مورد

۱- شهری در انتخابات دوره ۱۴ سه کاندید داشت نه دوتن و آن دیگری آقای سید محمد فیروز آبادی فرزند آقای حاج سید رضا فیروز آبادی نایبده تهران بود که عده آرای او فقط ۶ رای کثر از اعتماد التولیه بوده است و اگر سهیلی در انتخابات شهری نتوانست دخالت کند بواسطه نفوذ فیروز آبادی و دارودسته و ابود بلاوه انتخابات شهری تا افتتاح مجلس ۱۴ ادامه داشت و با بودن و کلای مخالف و نزدیک شهری بطهران ، سهیلی بطور میتواند در انتخابات آنجا مستیاد دخالت کند ؟؟؟

تردید نیست که اگر دواات انتخابات را آزاد گذاشته بود مردم حق شناس د کتر را انتخاب میکردند و متفقین هم که در آن موقع سنگ دمو کراسی را بسینه میزدند برای این کار اعلان جنگ نمیدادند و همین انتخاب سبب میشد که متفقین بملت ایران بیشتر احترام بگذارند.

وبازاستاد نامبرده در شماره ۶۵۷۲ روزنامه «اطلاعات» مورخ دوم اسفند راجع بانتخاب د کتر اهری بیانات ذیل را کرده اند :

« در مورد مداخله در انتخابات و شخص آقای د کتر اهری که مورد اعتراض آقای دادستان کل قرار گرفته باید عرض کنم که موکل من دستور نداده است د کتر اهری انتخاب نشود در تلگراف آقای سهیلی تاریخ شروع انتخابات ذکر شده است و البته شروع انتخابات در هر جا بدست دولت است و مادر ایران و جا هائی که سیستم انتخاباتی آنها مانند ایران است سراغ نداریم که انتخابات در یک روز در سراسر کشور شروع شود. مسوولا وزارت کشور بامورین خود در هر نقطه طبق مصالح دستور میدهد که شروع کنید یا فعلا شروع نکنید و این روبه جرم نیست بلکه يك دستور و وظیفه است که تمام دولتها بجا میاورند و اینکه آقای دادستان گفتند : « تاویل بیگانگان در انتخابات نباید ملامت قرار داده شود و چنین مجلس بدرد نیخورد » من هم همین عقیده را دارم ولی چه نیایلاتی؟ میخواستید بگوئید سهیلی هر چه شالی یا جنوبی میگفت انجام میداد، ولی اینطور نیست در موقع اشغال ایران که آزادی شاهم سلب شده بود در آن تاریخ که وزیرش را از کرج تا تبریز چند جانوقیف میکردند در چنین موقعی آقای سهیلی گفتند اگر د کتر اهری که با قرارداد متفقین مخالفت کرده زمینه دارد انتخابات را شروع نکنید نه اینکه گفتند او حتماً و کبیل نشود حال فرض میکنیم که آقای سهیلی گفته است د کتر اهری صد درصد انتخاب نشود، د کتر اهری انتخاب نمیشود باز نازه قضیه جنبه کیفری ندارد و جرم نیست - در حقوق جزاء گفته میشود که بین عنصر مادی و معنوی هر جرم رابطه سببیت باید موجود باشد و علت و معلول با هم تطبیق نماید در این قضیه آیا علت و معلول با هم مطابقت میکنند و آقای دادستان میتوانند ثابت کنند که بین تلگراف آقای سهیلی و انتخاب نشدن د کتر اهری رابطه سببیت موجود است؟ ممکن است خودش شرکت نکرده یا شرکت کرده و شکست خورده یا اصلا زمینه نداشته است. »



این بیانات آقای د کتر هدایتی نیز مورد اعتراض ماست زیرا در تلگراف سهیلی که ذیل شماره ۱۰ از نظر خوانندگان گذشت نوشته شده : « اگر د کتر اهری با قرارداد متفقین مخالفت کرده زمینه دارد انتخابات را شروع نکنید » که بر فرض صحت مشمول ماده ۸۳ قانون مجازات عمومی قرار میگرفت؛ بلکه این طور تلگراف شده : « آقای عضدی مامور انتخابات بطوریکه اطلاع دارید انتخاب د کتر قاسم اهری از اهر مقتضی نیست » که مشمول ماده ۱۲۹ قانون مجازات است و باز این تلگراف